



در این شماره می خوانید

صفحه ۲

- رباعیات بهاری از رضا مقصدی

صفحه ۵

- تداوم مبارزات برای افزایش دستمزد و بهبود معیشت

صفحه ۶

- مذاکرات هسته ای و تاثیر آن بر آینده سیاسی ایران

صفحه ۸

- یک هفته با حقوق بشر در ایران

صفحه ۹

- اقتصاد ایران در سالی که گذشت و چشم انداز آن

صفحه ۱۰

- شادباش نوروزی مادران پارک لاله ایران

صفحه ۱۱

- نگاهی به موقعیت زنان در ایران و خاورمیانه

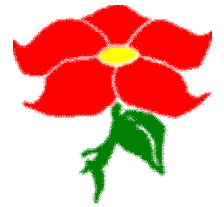
صفحه ۱۵

- مسئله فقط یونان نیست

صفحه ۱۶

- یام نسرين ستوده به تلاشگران برای

حق کار دگراندیشان



شادباش نوروزی

نوروز و آغاز سال ۱۳۹۴ را به همه هم‌میهنان شادباش می‌گوییم. جشن نوروز برای مردم ایران میراث فرهنگی گرانقدری است. هیچ آیین و رسمیه به اندازه نوروز در زندگی و خاطره تک تک ما ریشه ندوانده است. شادترین و به یادماندنی‌ترین خاطرات اکثر ایرانیان با نوروز گره خورده است. نوروز، هم‌زمان با زایش دوباره طبیعت، شادی دیدار عزیزان و دوستان را به خانه‌ها می‌آورد. مراسم نوروز، همه ایرانیان را صرفنظر از تعلق قومی، زبان مادری، گرایش فکری مذهبی یا غیرمذهبی، به هم و نیز به ملت‌های همسایه که همراه با ما نوروز را جشن می‌گیرند پیوند می‌دهد. این جشن را گرامی می‌داریم.

انتظار فرا رسیدن نوروز، امسال با انتظار گشایش گره بحران در روابط ایران با جامعه جهانی همراه شده است. ما نیز مانند میلیون‌ها هم‌وطن خود امیدواریم مذاکرات نمایندگان جمهوری اسلامی و قدرت‌های جهانی به یک توافق پایدار بیانجامد و خطر جنگ و حمله نظامی را از سر کشور ما دور کند.

از آنجا که حکومت جمهوری اسلامی بار فشارها و تنگناهای اقتصادی را به دوش کارگران و زحمتکشان ایران منتقل کرده است، ما امیدواریم یک توافق جامع با قدرت‌های بزرگ، به ویژه به لغو تحریم‌هایی بیانجامد که زندگی اکثریت مردم ایران را از آن هم که قبل از تحریم‌ها بود سخت‌تر کرده است. با این حال، ما نمی‌خواهیم به این توهم دامن زنیم که همه مشکلات زندگی مردم ناشی از تحریم‌هاست و توافق احتمالی هسته‌ای، در زندگی مردم ایران و به ویژه کارگران و زحمتکشان گشایشی اساسی ایجاد خواهد کرد. ما سیاست‌های اقتصادی دولت‌های قبلی و فعلی جمهوری اسلامی را عامل اصلی در گسترش فقر و بی‌عدالتی، در افزایش بیکاری و کاهش قدرت خرید اکثر مردم، در تورم لجام‌گسیخته و محرومیت فزاینده میلیون‌ها ایرانی از چشم‌انداز و آینده‌ای روشن می‌دانیم. ما هشدار می‌دهیم حتی اگر تحریم‌ها لغو شوند، سیاست نئولیبرال حاکم اعمال شده از سوی دولت روحانی به عنوان یک عامل اصلی ریاضت تحمیل شده به کارگران و زحمتکشان ایران باقی خواهد ماند. در همین روزها شاهد بودیم که چگونه نرخ حداقل دستمزد در سطحی بسیار پایین‌تر از خط فقر تعیین شد. در ماه‌های اخیر دیده‌ایم که چگونه جمهوری اسلامی اعتراض و اعتصاب کارگران برای ابتدایی‌ترین حقوقشان را سرکوب کرده است.

در سالی که گذشت وضعیت حقوق بشر در ایران رو به وخامت گذاشت. آخرین گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه سازمان ملل در مورد نقض حقوق بشر در ایران حاکی است که شمار اعدام‌ها در ایران در سال گذشته افزایش یافته است. فعالان سیاسی و مدنی کماکان با حکم‌های سنگین زندان و شلاق مواجه می‌شوند. رهبران جنبش سبز بیش از چهار سال است که در بازداشت خانگی غیرقانونی به سر می‌برند. مجلس شورای اسلامی در صدد است در اجرای دستورهای رهبر جمهوری اسلامی، آسیب‌پذیرترین گروه‌های زنان را از خدمات مربوط به تنظیم خانواده و جلوگیری از بارداری ناخواسته محروم کند. رهبر جمهوری اسلامی و گوش به فرمانان او تعرضی مجدد به حقوق زنان ایران را برای محروم کردن آنان از برخی دستاوردهای ده‌ها سال فعالیت و مبارزه جنبش زنان ایران آغاز کرده‌اند. هم‌میهنان بهائی ما در سالی که گذشت کماکان آماج سرکوب و تبعیض بودند. اقلیت‌های ملی - قومی و مذهبی در جمهوری اسلامی شهروندان درجه دو محسوب می‌شوند.

با این همه، سختی‌های زندگی در طول قرن‌ها نتوانسته است ایرانیان را از برگزاری جشن آغاز سال نو باز دارد. مردم ایران در شرایطی سخت‌تر از روزهای کنونی نیز نوروز را پاس داشته‌اند و علیرغم محرومیت‌ها، با امید به آینده به استقبال بهار شتافته‌اند. هیچ کس نتوانسته است نوروز را از ذهن و حافظه جمعی مردم ایران پاک کند یا آن را تحت الشعاع آیین دیگری قرار دهد. زندگی ده‌ها میلیون ایرانی به رسم هزاران ساله با آهنگ نوروز که آهنگ طبیعت است تنظیم می‌شود. نوروز همه ایرانیان خجسته باد.

هیئت سیاسی - اجرایی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

۲۷ اسفند ۱۳۹۳ (۱۸ مارس ۲۰۱۵)

رباعیات بهاری



این بار، چو این بهار می باید زیست
سرشار و شکوفه بار، می باید زیست
امروز که رنگ شادیت سُرخ تر است
شاداب تر از انار، می باید زیست

برخیز و بیفشان و بباران، ما را
سبز است ترانه بهاران، ما را
ای شعله‌ء هر شکفته، ای آتش عشق
برخیز و برانگیز و بسوزان، ما را

من چون چمنم تو بادِ فروردینی
من، داغ هزار لاله، تو نسرینی

آزاده تر از سرودِ سروستانم
گر با من و آرزوی من، بنشین

رضا مقصدی



دیدار بنفشه زار را باور کن
بیداری جویبار را باور کن

بر شانه شادمان گلبرگ و درخت
گسترده‌گی بهار را باور کن

از پونه پیام آشنا می آید
عطر علف از عاطفه‌ها می آید

خیزید و به روی عاشقان گل ریزید
ای منتظران! بهار ما می آید

کارگران را به اعتراض علیه مصوبه شورای عالی کار و برای افزایش عادلانه دستمزد فرا می خوانیم!



شورای عالی کار بعد از هفته‌ها چانه‌زنی و برگزاری جلسات متعدد، درخواست ۲۵ درصدی سه عضو به اصطلاح کارگری و پیشنهاد ۱۵ درصدی نمایندگان کارفرمایان برای افزایش حداقل دستمزد را رد کرده و پیشنهاد دولت که افزایش ۱۷ درصدی بود، را به تصویب رساند. با این افزایش، حداقل دستمزد ماهیانه کارگران از ۶۰۹ هزار تومان به ۷۱۲۴۲۴ تومان افزایش یافت و سایر سطوح مزدی نیز به همین نسبت افزایش داده شد. افزایش ۱۷ درصدی دستمزد مصوب شورای عالی کار به تأیید نمایندگان به اصطلاح کارگری شورا نیز رسید و آنها علیرغم تعهدی که به کارگران داده بودند که به کمتر از ۲۵ درصد افزایش دستمزد تن ندهند، به پیشنهاد دولت کردن نهادند.

شورای عالی کار مدعی است که افزایش ۱۷ درصدی دستمزد بیش از نرخ تورم ۱۵ درصدی است. ولی نگاهی به قیمت کالاهای ضروری مانند نان، آب، برق، گاز، حمل و نقل، هزینه مسکن و خدمات نشان می‌دهد که افزایش قیمت کالاهای اساسی به مراتب بیشتر از نرخ اعلام شده است. در همین سال قیمت آب، برق، گاز به طور میانگین بین ۲۵ تا ۳۰ درصد و کالاهای و خدماتی چون نان و کرایه بین ۲۵ تا ۴۰ درصد افزایش قیمت را تجربه کرده‌اند. در سال جاری هزینه بلیت اتوبوس و مترو نزدیک به ۱۰۰ درصد افزایش می‌یابد.

دستمزد ۷۱۲ هزارتومانی که در واقع یک پنجم نیاز یک خانوار شهری و به عبارتی هزینه‌های زندگی ۶ روز آنها را تامین می‌کند، با خواست کارگران که افزایش عادلانه دستمزد متناسب با هزینه‌ها است، فاصله زیادی دارد و کمک چندانی به بهبود وضعیت معیشت کارگران و زحمتکشان نمی‌کند. اگر در سال گذشته حداقل دستمزد معادل یک چهارم خط فقر بود، اکنون به رغم این افزایش و ادعای دروغ وزیر کار مبنی بر ضد تورمی بودن افزایش دستمزد، سطح زندگی کارگران و زحمتکشان یک پله دیگر سقوط نموده و به یک پنجم خط فقر رسیده است. بنابر تازه‌ترین داده‌های آماری، حداقل هزینه خانوار در کلان شهرها به سه و نیم میلیون تومان رسیده است.

برخورد شورای عالی کار با افزایش دستمزد، بار دیگر نشان داد که این شورا به رغم حضور کسانی که بنام نماینده کارگر در این شورا جاسازی شده‌اند به خاطر ماهیت کارفرمائی آن، حتی در شرایطی که موجی از اعتصاب و اعتراض برای افزایش دستمزد کشور را فرا گرفته، حاضر نیست دستمزد کارگران را متناسب با حداقل هزینه زندگی‌شان افزایش دهد.

بی‌توجهی دولت روحانی، کارفرمایان و شورای عالی کار به خواست کارگران نشان داد که تنها با چانه‌زنی نمی‌توان آن‌ها را عقب نشاند. کارگران و مزدبگیران با سازمانیابی، تشکیل سندیکاهای مستقل و با توسل به اعتصاب و تجمع اعتراضی وسیع، می‌توانند کارفرمایان و دولت را وادار سازند که به خواست‌شان گوش فرا دهند. اگر راهی برای افزایش دستمزد و بهبود معیشت پیش روی مزدبگیران وجود داشته باشد، آن راه، جز اعتراض و اعتصاب نیست.

ما عدم افزایش عادلانه دستمزد کارگران توسط شورای عالی کار را محکوم کرده از خواست افزایش دستمزد حمایت می‌کنیم و کارگران و مزدبگیران را برای تداوم اعتراض علیه مصوبه شورای عالی، سیاست‌های ضدکارگری دولت روحانی و وزیر کار و برای افزایش دستمزد فرا می‌خوانیم.

هیئت سیاسی - اجرائی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
۲۸ اسفند ۱۳۹۳ (۱۹ مارس ۲۰۱۵)

از برنامه مصوب کنگره سیزده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حقوق کارگران و مزد بگیران

حق کار اساسی‌ترین حقوق کارگران و مزدبگیران است که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی بر آن تأکید شده است. سازمان ما دفاع از حق کار و منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران، مزدبگیران و زحمتکشان یدی و فکری و ارتقا همه جانبه شرایط زندگی، سازمانیابی و فعال کردن آنها را جزو اولویت‌های برنامه خود می‌داند و برای عملی کردن برنامه زیر تلاش می‌کند:

- تشکیل سندیکاهای مستقل و دموکراتیک کارگری، گسترش و ارتقا کمی و کیفی تشکلهای کارگری و تثبیت حقوق کامل سندیکائی.
- به رسمیت شناختن حق اعتصاب کارگران و حق انعقاد قراردادهای دسته جمعی.
- تضمین امنیت شغلی و اجتماعی کارگران و مزدبگیران و لغو قراردادهای موقت کار در مشاغلی که ماهیت مستمر و طولانی دارند.
- تامین حداقل حقوق برای همه و افزایش مناسب دستمزد و مزایای نقدی و غیر نقدی کارگران و افزایش قدرت خرید آنان.
- رفع تبعیض در استخدام و اخراج، ارتقا شغل و حقوق و مزایای کار بین زن و مرد، پرداخت دستمزد برابر برای کار برابر و فراهم آوردن منابع، امکانات و فرصت‌های شغلی برابر برای زنان و مردان.
- تامین اجتماعی همه جانبه و فراگیر شامل بیمه‌های درمانی، بیکاری، از کارافتادگی و بازنشستگی برای کارگران و مزدبگیران و خانواده‌های آنان.
- افزایش کنترل و اعمال نظارت بر چگونگی رعایت حقوق کار و ایمنی وسایل و محل‌های کار به منظور حفظ ایمنی و سلامت کارگران و مزدبگیران.
- کمک به تشکیل و گسترش تعاونی‌های مسکن و مصرف کارگری از طریق اعطای زمین و تسهیلات، دموکراتیزه و کار آمد کردن سازمان تامین اجتماعی، واگذار کردن اداره امور صندوق‌های بازنشستگی به اتحادیه‌های کارمندی و کارگری.
- فراهم آوردن حق اظهار نظر و مشارکت کارگران و کارمندان در تصمیم‌گیری‌های واحدهای تولیدی از طریق سازمان‌های صنفی.
- وادار کردن دولت به پذیرش کنوانسیون‌های اساسی سازمان بین‌المللی کار.

آزادی تشکیل سندیکاهای کارگری، تشکلهای صنفی و سازمان‌های غیردولتی تامین گردد



بازی نغز روزگار

علی پور نقوی

اکنون به همپیمانی او با خودشان دل بسته اند. طبعاً این تدبیر پشتوانه نسبتاً معتبری هم در قامت شورای امنیت خواهد داشت. اما چرا این تدبیر نه تماماً، بلکه "تا حدودی"، متضمن تعهدات طرفین است و چرا شورای امنیت پشتوانه ای نه کاملاً، بلکه "نسبتاً" معتبر، برای آن خواهد بود؟ زیرا "قطعنامه فصل هفتمی"، که ظریف به عنوان قالب توافق احتمالی در نظر دارد، و از آن به عنوان قطعنامه لازم الاجرای شورای امنیت که تخطی از آن نقض آشکار حقوق بین الملل است، یاد می کند، همان قالبی است که قطعنامه های شورای امنیت علیه پرونده اتمی ایران برگزیده است. یعنی همان قالبی که تا چندی پیش دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی آن را "قطعنامه دان" و محتوایش را "کاغذپاره" می نامید و دستگاه رهبری اش، از این که چنین دستگاه دیپلماسی بایصیرتی دارد، ابراز رضایت می کرد.

همین واقعیت که عموم نیروهای مخالف حل و فصل مسالمت آمیز مناقشه - از نتانیاهو گرفته تا جنگ طلبان در امریکا و ایران - این گونه آشکار و بی پروا به همسرانی با هم و به تبلیغ بی اعتمادی به طرفهای مناقشه برخاسته اند، از شگفتیهای این پرونده است

سوی دیگر این شگفتی متوجه امریکاست. کوشش همه جانبه این کشور تا ۱۵ سال پس از فروپاشی "اردوگاه سوسیالیسم" این بود که در سیاست خارجی اش نهادهای بین المللی و مشخصاً سازمان ملل را به عنوان مراجع سامان دهنده حقوق بین الملل ندیده گیرد و حتی الامکان نرمهای مبتنی بر زرادخانه تسلیحاتی را جایگزین حقوق بین الملل سازد. این کیفیت هنوز نیز در برخی عرصه های دیپلماسی امریکا باقی است، اما در عرصه هائی نیز دستخوش تغییرات محسوسه شده است. به نظر می رسد که دستگاه کنونی دیپلماسی امریکا نیز از توسل به این نهادها برای استحکام توافق هسته ای بی نیاز نیست و از آن استقبال می کند. این که امروز دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی دیگر به تعرضات سخیف و نپاندهشده علیه حقوق بین المللی بر نمی خیزد، و حتی بالاتر از این، به آن استناد و اتکا می کند، و این که دستگاه دیپلماسی امریکا نیز پس از یک و نیم دهه نابوده انگاری نظام حقوق بین الملل به توسل به آن رو می کند، آموزه و شگفتی بزرگ مناقشه بر سر پرونده هسته ای جمهوری اسلامی است. آموزه ای که خاصه برای مردم ایران، به قیمتی گزاف حاصل آمده است و هم از این رو می تواند دستمایه بارزشتی در مبارزه برای پایبند کردن جمهوری اسلامی به هر تعهد بین المللی اش باشد.

اوباما و نیز سخنگوی کاخ سفید اقدام سناتورهای امریکائی را همچون همسرانی با "نیروهای تندرو در ایران" به باد انتقاد گرفتند. همین واقعیت که عموم نیروهای مخالف حل و فصل مسالمت آمیز مناقشه - از نتانیاهو گرفته تا جنگ طلبان در امریکا و ایران - این گونه آشکار و بی پروا به همسرانی با هم و به تبلیغ بی اعتمادی به طرفهای مناقشه برخاسته اند، از شگفتیهای این پرونده است. اما شگفتی بزرگ آن، توسل و تأکید است که امروزه چه از جانب امریکا و چه از جانب ایران به "حقوق بین الملل" صورت می گیرد. نامه ۴۷ سناتور امریکائی روز دوشنبه ۹ مارس انتشار یافت. یک روز پیشتر از آن، ظریف با احتیاط و به عنوان "دیدگاه من که باید مورد تأیید طرفهای دیگر هم قرار گیرد"، از احتمال ارجاع توافق میان ایران و کشورهای ۵+۱ به شورای امنیت خبر داده و گفته بود: "توافق احتمالی قدرت‌های جهانی و ایران بر سر برنامه اتمی ایران در یک قطعنامه فصل هفتمی منشور ملل متحد مورد تأیید قرار می‌گیرد و در نتیجه به یک توافق بین‌المللی و الزام آور برای همه دولت‌ها تبدیل می‌شود." روشن نیست که آیا این اظهارات ظریف تدبیری است از جانب او برای اعتمادبخشی، یا تعبیه مکانیسمهای ضمانت کننده در توافق آتی یا حتی یک توافق میان مذاکره کنندگان که از زبان ظریف بیان می شود، اما از ترتیب زمانی رویدادها یک نکته روشن است: این تدبیر برای ابطال ادعای آن ۴۷ سناتور اخذ نشده است. اما فردای روزی که نامه مذکور انتشار یافت، ظریف در واکنش مستقیم به این نامه دیگر احتیاط نمی کند و می گوید: "اگر رئیس‌جمهور بعدی به تعبیرسناتورهای مزبور با یک گردش قلم تعهدات بین‌المللی ایالات متحده را منتفی کند، مرتکب نقض آشکار حقوق بین‌الملل شده است؛ به ویژه آن که این تعهدات در قالب یک قطعنامه لازم الاجرای شورای امنیت و حاصل مذاکره و توافق با حضور پنج کشور دیگر از جمله تمامی اعضای دائم شورای امنیت باشد."

نامه سرگشاده ۴۷ تن از سناتورهای امریکا، که در آن به مقامات ایران هشدار داده‌اند که هرگونه توافق هسته‌ای با دولت باراک اوباما، فقط تا پایان دوره ریاست جمهوری اودام خواهد داشت، تلاشی است برای "کاغذ پاره" اعلام کردن توافق هسته‌ای با امریکا

ارجاع توافق احتمالی بین ایران و ۵+۱ به شورای امنیت سازمان ملل تدبیر مناسبی است. این تدبیر، چنان که اشاره شد، در لحظه کنونی می تواند اعتماد برانگیز باشد و در آینده تا حدودی متضمن تعهدات طرفهای توافق. عدم رعایت تعهدات را هم برای جمهوری اسلامی دشوار خواهد کرد، هم برای تمام دول عضو سازمان ملل، از جمله امریکا و خاصه "رئیس جمهور بعدی" آن که ظاهراً ۴۷ سناتور "دوراندیش" امریکائی از هم

یادداشت سیاسی کار - آنلاین
مناقشه بر سر پرونده اتمی جمهوری اسلامی ایران در عمر یک و نیم دهه اش، خالی از آموزه ها و شگفتیهای بزرگ نبوده است. این آموزه ها برای مردم میهن ما به قیمت بسیار گزافی تمام شده اند و از این رو اهمیت دارد که بر آنها تأکید کنیم و بکوشیم از آنها دستمایه ای برای فردا بسازیم. شواهد بسیاری حاکی از حصول توافقی پایه ای و شاید یک توافق جامع قریب الوقوع اند. به این اعتبار می توان بزرگترین آموزه این مناقشه را آشکار کردن ظرفیتهای سرشار دیپلماسی برای پرهیز از خشونت و جنگ برشمرد. تردیدی نیست که هنوز پاره ای از اختلافات، چه در میان طرفهای مناقشه و چه در درون آنها، باقی اند و موجبی برای احتیاط در خوشبینی بی اساس. لوران فابیوس، وزیر امور خارجه فرانسه، خواهان "توافقی محکمتر" است و به این ترتیب از وجود برخی اختلافات میان فرانسه و امریکا نشانه می دهد.

ارجاع توافق احتمالی بین ایران و ۵+۱ به شورای امنیت سازمان ملل تدبیر مناسبی است. این تدبیر، چنان که اشاره شد، در لحظه کنونی می تواند اعتماد برانگیز باشد و در آینده تا حدودی متضمن تعهدات طرفهای توافق

این در حالی است که تنها دو روز پیش از اظهارات فابیوس، ظریف از آمادگی ایران برای پذیرش پروتکل الحاقی در کادر یک "توافق جامع" خبر داده بود و ممکن نیست وزیر امور خارجه فرانسه نداند که محکمترین توافقی که تا کنون جامعه بین الملل، به معنای واقعی جامعه بین الملل، بر سر برنامه های هسته ای اندیشیده و به کار گرفته است، همان پروتکل الحاقی است. نتانیاهو در سخنرانی اش در کنگره امریکا، که به "ابتکار" جمهوریخواهان و خلاف عرف رایج در آن کشور ترتیب داده شد، ابداً پنهان نمی گذارد که در صد به هم زدن توافق احتمالی بین ایران و امریکا بر سر پرونده هسته ای است. نامه سرگشاده ۴۷ تن از سناتورهای امریکا، که در آن به مقامات ایران هشدار داده‌اند که هرگونه توافق هسته‌ای با دولت باراک اوباما، فقط تا پایان دوره ریاست جمهوری اودام خواهد داشت، تلاشی است برای "کاغذ پاره" اعلام کردن توافق توافق هسته‌ای با امریکا و تکرار پیامی است که مضمون آن از زبان نیروهای مخالف این توافق در درون جمهوری اسلامی نیز شنیده می شود: این پیام که اعتمادی به امریکا نیست. اگرچه دیگر آشکار شده است که خامنه ای در کار زمینه سازی برای توافق است، اما در این کار، او نیز از اشاعه بی اعتمادی به امریکا فرو نمی گذارد. و این نیز در حالی است که شخص

تداوم مبارزات برای افزایش دستمزد و بهبود معیشت

صادق کار



گرچه هنوز عقب نشینی دولت و کارفرمایان در برخورد با خواست افزایش دستمزد معلمان و پرستاران محرز نیست و نمی‌توان از آن نتیجه‌گیری کرد، ولی در این‌که دولت مجبور است به خاطر سُمبیهی پرزور پرستاران و معلمان -که عمدتاً ناشی از وجود تشکلهای آنان است- تن به عقب‌نشینی‌هایی بدهد، کمتر جای تردیدی باقی مانده است.

اعتصابات کارگری نیز تاکنون غالباً در واحدهایی کامیاب شده‌اند، که در آن‌ها نوعی تشکل علنی یا تشکل در سایه‌ی مستقل و وفادار به حقوق کارگر حضور داشته است. اخراج و پیگرد بی‌سابقه‌ی رهبران و سازمان‌گران اعتصابات کارگری در سال گذشته نیز مؤید اهمیت تشکل در سازمان‌گری و کامیابی اعتراضات مطالباتی کارگران است.

طبعاً از کسانی که به عنوان «نماینده‌ی کارگر»، به شورای عالی کار برده شده‌اند، با توجه به این‌که نمایندگان واقعی و مستقل کارگران نیستند، انتظار نمی‌رود در این شورا پای حقوق کارگر بایستند. اما حتی اگر این سه نفر نماینده‌ی واقعی کارگران هم بودند، در مقابل اکثریت ترکیب کارفرمایی شورای عالی کار، کار زیادی از دست‌شان برنمی‌آید. از همین رو پیشاپیش برای کارگران نتیجه‌ی

تصمم شورای عالی کار محرز است. این است که کارگران اگر بخواهند دستمزد و معیشت‌شان بهبود پیدا کند و حقوق‌شان را حفظ و ارتقا دهند، باید مقدم بر هر چیز، حتی هنگامی که افزایش دستمزد تبدیل به اولویت نخست‌شان می‌شود، به فکر تشکل باشند و از هر فرصتی برای سازمان دادن خودشان بهره‌جویند.

این اعتراضات و اعتصابات البته بی‌نتیجه نبودند. کارگران در تعدادی از واحدهای تولیدی و خدماتی توانسته‌اند با دست زدن به اعتصاب، دستمزدشان را بهبود بخشند. خیابانی شدن اعتراضات و استقبال گسترده‌ی معلمان و پرستاران از فراخوان به اعتراض «خانه‌ی پرستار» و کانوهای صنفی معلمان، به نظر می‌رسد تا حدودی باعث عقب‌نشینی دولت و کارفرمایان از مواضع پیشین‌شان گردد و آن‌ها مجبور شوند بخشی از مطالبات پرستاران و معلمان را برآورده کنند.

اما مقاومت دولت و کارفرمایان در مقابل کارگران سرسختانه‌تر است. در حالی که کمتر از ۱۰ روز به پایان سال مانده و اعتراضات برای افزایش دستمزد همچنان گسترده است و شورای عالی کار هنوز رسماً میزان افزایش دستمزد سال آینده را مشخص نکرده، خبرهایی که از گوشه و کنار شنیده می‌شوند، حکایت از افزایش ۱۵ تا ۱۷ درصدی دستمزد کارگران در سال آینده دارند و اگر این اخبار صحت داشته باشند که به نظر می‌رسد صحت دارند، پس از این افزایش، حداقل دستمزد کارگران در سال آینده حدود ۷۵۰ هزار تومان خواهد شد، که این مبلغ حدود یک چهارم حداقل نیاز یک خانوار کارگری است.

از آنجایی که این مقدار افزایش ناچیز کمک چندانی به بهبود وضعیت معیشتی حداقل‌بگیران نمی‌کند و متوسط دستمزد دریافتی سایر کارگران نیز بنا بر آمارهای رسمی، یک و نیم میلیون تومان بیشتر نیست، طبیعی است که مبارزه برای افزایش دستمزد همچنان تا رسیدن به مقصود در اشکال مختلف و به شکل مقتضی تداوم بیاید.

وضعیت معیشتی کارگران در سال جاری، به رغم ادعای دولت مبنی بر کاهش نرخ تورم و بهبود وضعیت اقتصادی، نه تنها بهبود نیافت، بلکه همان‌گونه که آمارها نیز مؤید آن‌اند، بدتر از سال پیش شد.

علاوه بر آن، بر خلاف وعده‌های پیشین روحانی و ربیعی مبنی بر اجرای قانون کار، رعایت حق تشکل و استقلال تشکلهای، به اجرا نهادن مقاله‌نامه‌های بنیادین سازمان بین‌المللی کار، افزایش دستمزد و بهبود خدمات تأمین اجتماعی، تعرض به حقوق کار در سال گذشته، تشدید شد. و تعدیلات بسیاری نیز در قانون بیمه‌ی بیکاری، تأمین اجتماعی و بیمه‌های کارگری توسط وزارت کار به زیان حقوق کارگران ایجاد شد که در مجموع علاوه بر تعدیل حقوق سندیکایی، در وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی کارگران نقش بارزی داشتند.

تشدید وخامت اوضاع معیشتی کارگران و کارمندان و فشارهای ناشی از آن، امسال چنان عرصه را بر عموم مزدبگیران و خانواده‌های‌شان تنگ کرد که خواست افزایش دستمزد و بهبود معیشت به مهم‌ترین مطالبه‌ی عمومی مزدبگیران تبدیل شد و محرک یک رشته اعتراضات و اعتصابات کم‌سابقه‌ی توده‌ای گردید. معلمان و پرستاران نیز پس از آن‌که شکایت و طومار نویسی‌های‌شان جهت افزایش حقوق، از طرف دولت و کارفرمایان بی‌جواب ماند، در ابعاد وسیع مباردت به اعتصاب و تشکیل تجمع‌های اعتراضی نمودند.

مسئله فقط ...

ادامه از صفحه ۱۵

و قابل محاسبه در فهرست دارایی آنهاست.

در جهانی که بخش بزرگی از «ارزش» های اقتصادی واهی است، چنین رفتاری تعجب آور نیست. این تنها اوراق بهادار صادره از سوی دولتها نیست که در حقیقت بی بهاست. اگر همین امروز تنها درصد کمی از سهامداران شرکتهای بزرگ تصمیم به فروش سهام خود بگیرند، ارزش این شرکتهای به کسری از ارزش صوری امروزی سقوط خواهد کرد. بارها شاهد این گونه پدیده‌ها بوده ایم. حجم عظیم ارزش های موهومی که امروز در جهان انباشته شده است، نتیجه ده‌ها سال کارکرد قانون ارزش اضافی است. این قانون را مارکس کشف کرد اما گذشت بیش از صد سال از اعتبار آن ناکاسته است. ارزش اضافی انباشته شده، روی دیگر سکه قروضی است که اگر نبود، معادل آن نیز به صورت ارزش اضافی وجود نداشت.

سیستم سرمایه داری چندبار، معمولاً پس از جنگهای بزرگ، با لغو بدهی‌ها و ترکیب حساب ارزش های موهوم، انباشت ارزش اضافی را از سر گرفته است. در مقیاس کوچکتر، چنین آغاز دوباره‌ای در سالهای اخیر بارها روی داده است. اما هر چه اقتصاد کشورها به هم پیوسته تر باشد، امکان آغاز دوباره در مقیاسی محدود به یک حیطه جغرافیایی مانند یک کشور، کمتر می شود. وضع فعلی اروپا بهترین نمونه برای نشان دادن این قانونمندی است. هزینه آغاز دوباره، برای همه آن قدر بالاست که در محافل قدرت و سرمایه، کمتر کسی حتی جرأت اندیشیدن به آن را دارد. حساب ارزش های موهوم و بحران بدهی‌ها محدود به اروپا نیست. دولتهای جهان مجموعاً حدود شصت هزار میلیارد دلار بدهی دارند. تولید ناخالص کل جهان سالانه کمی بیش از این است.

اگر بخت با بشر یار باشد، حساب کنونی ارزش های موهوم نه با انفجار، که از طریق یک «پنچری» خزنه از بین خواهد رفت. هیچ یک از این دو سناریو الزاماً به معنای پایان سرمایه داری نیست. فعلاً از «سوژه» انقلابی که بتواند افقی ویرای سرمایه داری بگشاید، خبری نیست. اما تا زمانی که می توانیم از مغز خود استفاده کنیم، ما را از اندیشیدن به چشم اندازی که از سرمایه داری فراتر رود، گریزی نیست.

مذاکرات هسته ای و تاثیر آن بر آینده سیاسی ایران*



اردشیر زارعی قنوتی - فریبرز مسعودی

واقعی بیش از آنچه حول تقابل عینی با واشنگتن دور بزند بحث اصلی چگونگی مدیریت روابط و در دست داشتن هژمونی داخلی و منطقه پی در خصوص شکل بخشی به موازنه های جدید خواهد بود. هم اکنون تقریبا برای هر دو جناح سیاسی کشور از تکنوکرات های اصلاح طلب تا تندروهای اصولگرا دوران دشمنی با شیطان بزرگ تقریبا به تاریخ پیوسته است و هر کدام از این طیف ها از مسیر موردنظر خود در پی تغییر در موقعیت گذشته می باشند. روحانی نیز که همه تخم مرغ هایش را در سبد مذاکره و توافق با آمریکا چیده در صورت عدم موفقیت در مذاکرات با قدرت های جهانی با دشواری های ناشی از تحریم های گسترده غرب و دشواری های اقتصادی دولت او به زنجیره ای از چالش های جدی کشیده خواهد شد که ممکن است بقای دولت او را برای دو سال آینده نیز به اما و اگر بکشاند. زیرا توده های مردمی که به روحانی برای مخالفت با سیاست های افراط گرایانه و فاجعه آمیز هشت ساله دولت احمدی نژاد و اصول گرایان تندرو و هم چنین برای برون رفت از اوضاع بد اقتصادی به وی رای داده اند، نه تنها گشایشی در عرصه مدنی در این مدت ندیده اند بلکه در صورت ادامه تحریم ها به قول هاشمی رفسنجانی پدر معنوی اعتدالگرایان، ملت و دولت روحانی اوضاع سختی در سال آینده در پیش خواهند داشت و دولت در اثر اوضاع بد اقتصادی در تنگنای مضاعفی گرفتار خواهد شد.

در شرایط کنونی فاجعه اقتصادی ایران تحت تاثیر تحریم های اقتصادی و انزوای سیاسی فعلی جدا از وضعیت نامطلوبی که ایجاد کرده است به نوعی موجب عدم مسئولیت پذیری دولتمداران حاکم و گسترش فساد در بروکراسی کشور شده است

تندروهای داخلی در این مدت با تنگ تر کردن حلقه محاصره به دور رئیس جمهور از جمله در بحث آزادی های مدنی نه تنها اجازه ندادند که حصر موسوی و کروبی برداشته شود، بلکه خاتمی که هم اکنون بزرگترین تکیه گاه و محور اصلاح طلبان و یکی از حامیان اصلی دولت روحانی است در محاصره قرار داده اند و در زمینه آزادی های مدنی عملا اجازه پیش روی به روحانی نداده و در یک همنوایی آشکار با دشمنان خارجی او را به گوشه رینگ رانده اند. در این صورت آینده و صف بندی نیروهای داخلی و خارجی تا حدود زیادی آشکار خواهد شد. چنانچه روحانی در مذاکرات با آمریکا شکست بخورد...

ادامه در صفحه ۷

در عرصه بین المللی مشاهده می شود و در چارچوب نظامی - امنیتی به خصوص پس از ظهور دولت اسلامی "داعش" این دشمن مشترک، نظامیان آمریکایی را در میادین جنگ همدوش پاسداران و مستشاران نظامی ایران قرار داده است. این همسویی دوسویه که اسرائیل را به وحشت انداخته و موجب واکنش های غضب آلود ترکیه و عربستان، بازیگران بزرگ منطقه در قبال این تحولات گردیده و صف بندی های نوینی را در کشورهای منطقه پدید آورده یا آستن یک تغییرات اساسی در موازنه قدرت منطقه پی است.

تفاهم حول پرونده هسته ای ایران در کنار تنش زدایی از سیاست خارجی کشور و ایجاد یک موازنه مثبت در عرصه منطقه پی و همچنین تغییر در حوزه سیاست داخلی، هم زمان حامل یک تصویر سیاه و سفید خواهد بود

این مذاکرات بسیار فراتر از روابط خارجی دو کشور، در توازن قدرت بین جناح های موجود در تهران - واشنگتن نیز تاثیرات بنیادین و حداقل در کوتاه مدت دگرذیسی های تاکتیکی خود را خواهد گذاشت. در این میان به نظر می رسد که آینده جناح بندی های و تا حدودی تفکرات سیاسی درون نظام به شدت به روابط آینده ایران و آمریکا پیوند خورده است. اصلاح طلبان و میانه روهای درون و برون نظام در پشت سر روحانی قرار گرفته و با همه انتقادهایی که به عملکرد یک ساله وی دارند با شکیبایی تلاش می کنند روابط ایران با آمریکا و به طور کلی غرب را در کانال دیپلماتیک قرار دهند. برای آنان به نتیجه رساندن مذاکرات تازه آغاز راه است تا بتوانند از کانال ارتباطات جهانی و بازیگری متفاوت تر در عرصه هایی چون مبارزه باخشونت، تروریسم و فرقه گرایی کنونی، به همگرایی منطقه ای و تقویت سازمان ها و ارگان های جهانی یاری رسانده و در داخل با تقویت قدرت سازمان های کارفرمایی خصوصی و جامعه مدنی بار دیگر خود را در قدرت ببینند. آنان از تقویت نقش آتی خود در جهت تثبیت مدل لیبرال حکومتداری در چارچوب حاکمیت اسلامی نظام استفاده می کنند و به جد خواهان ادغام سیاسی - اقتصادی ایران در نظم نوین بین الملل و سیستم نئولیبرال اقتصادی خواهند بود. در جناح اصولگرا و نومحافظه کار مرتبط با نظامیان نیز به خلاف شعارهای مرسوم رویکرد

مذاکرات هسته ای ایران و گروه ۱+۵ به روزهای حساس خود نزدیک می شود و تصمیم گیری نهایی برای تمامی بازیگران این عرصه و به خصوص واشنگتن - تهران اجتناب ناپذیر شده است. این مذاکرات بسیار فراتر از یک مذاکره تاکتیکی در مورد یک موضوع خاص و بیشتر در چارچوب تغییر در مناسبات قدرت در حوزه ژئوپلیتیک خاورمیانه، روابط دوجانبه ایران - آمریکا و حتی تغییرات اساسی در بین جرایانات سیاسی - اقتصادی در فضای داخلی دو کشور قابل تعریف خواهد بود. جمهوری اسلامی ایران هم اکنون وارد یک مسیر تاریخی در تونل تاریک زمان شده است که هر چند افق خاکستری آن از دور نمایان است ولی به نظر می رسد تا سال های درازی سرنوشت ایران و منطقه در گرو خروج ایران از این مسیر پرگردنه باشد. از یک سو مذاکرات ایران و کشورهای ۱+۵ وارد مرحله حساسی شده که ممکن است ایران و آمریکا را پس از ۲۵ سال دشمنی که در برهه هایی تا رویارویی نظامی نیز پیش رفته و دست کم در ایران اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر آن بنا شده و بسیاری از موضع گیری های سیاسی و فرهنگی و نظامی که به نوعی در رابطه با این رویارویی تعریف شده است، را دستخوش تغییر کند.

هم اکنون تقریبا برای هر دو جناح سیاسی کشور از تکنوکرات های اصلاح طلب تا تندروهای اصولگرا دوران دشمنی با شیطان بزرگ تقریبا به تاریخ پیوسته است و هر کدام از این طیف ها از مسیر موردنظر خود در پی تغییر در موقعیت گذشته می باشند

از سوی دیگر جنگ های داخلی، تروریسم بنیادگرا و منازعات فرقه پی در منطقه خاورمیانه از عراق تا سوریه، لبنان، یمن و تا حدودی صلح خاورمیانه که به نوعی سمت و سو و مرزبندی های خاورمیانه آینده را تعیین می کند در همسویی اجتناب ناپذیر دولت دمکرات آمریکا و "دولت روحانی - سپاه پاسداران ایران" قرار گرفته است. چنانچه در چارچوب دیپلماتیک این انطباق منافع در اهداف دولت حسن روحانی با دولت دمکرات "باراک اوباما" برای کاهش تنش های تاریخی چند دهه اخیر و نقش آفرینی بیشتر تهران

فعال شدن جنبش های اجتماعی، ضرورت امروز جامعه ما است

مذاکرات هسته ای ...

ادامه از صفحه ۶

سپاه و نیروهای امنیتی دست بالا را می یابند و در آتش جنگی که این بار و از قضا (!) خیلی آشکارتر از گذشته گره خوردگی منافع غرب با سپاه را به وضوح در کنار هم نشان می دهد، این نظامیان و نیروهای تندرو هستند که نه تنها در عرصه سیاست داخلی ایران بلکه در سیاست‌های منطقه پی خود را بالا می کشند. از سوی دیگر جناح‌های تندرو غرب آشکارا این سپینگال را دریافت می کنند که طرف آن‌ها در روابط با ایران نه سیاستمداران از هر دسته از جمله اصلاح طلبان و معتدل‌ها و حتی لاریجانی‌ها و احمدی نژادی‌ها بلکه نیروهای نظامی و امنیتی هستند که بر مقدرات ایران و ایرانی‌ها حاکم هستند. این به نوعی تکرار سناریویی است که از دهه‌ها قبل در پاکستان اجرا شده و همچنان اجرا می شود. در شرایطی که سپاه آشکارا از قدرت اقتصادی خود در کشور سخن می گوید شکست دولت در مذاکرات، در برابر برد سپاه در میدان‌های جنگ در سوریه و عراق و منازعات ضد تروریستی علیه دولت اسلامی (داعش) کار را به سود سپاه یک سره خواهد کرد.

استقبال از سیاست تنش زدایی و توافق احتمالی حول پرونده هسته‌ای پی کشور نه تنها هیچ منافاتی با مبارزه در چارچوب منافع طبقاتی کارگران و اقشار متوسط جامعه ندارد که حتی می تواند موجب بسترسازی بهتر جهت تعمیق و تشدید این مبارزه در یک فضای نرمال سیاسی - اجتماعی شود

از سوی دیگر جناح نومحافظه کاران آمریکا که در کنگره دست بالا را یافته اند از این چرخش جمهوری اسلامی استقبال خواهند کرد. زیرا آن چه که در فضای دو قطبی نظامی در منطقه خاورمیانه هم چون سم عمل خواهد کرد نقض تنش‌زدایی و همزیستی مسالمت آمیز خلق‌ها و ملت‌های خاورمیانه است. تندروهای اسرائیلی و آمریکایی در فضای خشونت و دشمنی خواهند توانست تا سال‌های نامعلوم در منطقه جولان دهند و پول و اسلحه و مزدور به منطقه سرازیر کنند و هرگونه رشد جامعه مدنی و عقلانیت سیاسی را در منطقه و خلق‌های ساکن آن تا اطلاع ثانوی در محاق فرقه‌گرایی و جنگ‌های خانمان برانداز قرار داده و چه بسا با تغییر مرزهای جغرافیایی بر جا مانده از سیاست‌های استعماری غرب

(سایکس - پیکو) شاهک‌ها و مستبدهای کوچک را بر سر منابع زیر زمینی مورد نیاز غرب گماشته و تا مدت‌های مدید به جریان امن انرژی و منابع زیرزمینی منطقه مطمئن باشند. در چنین سناریویی و با فروپاشی دولت‌های ملی در منطقه خاورمیانه و تحمیل آناشرشی و جنگ‌های داخلی - فرقه‌پی به جای آن، همچون شرایطی که هم‌اکنون در عراق، سوریه و لیبی می‌گذرد اسرائیل را نیز در اجرای سیاست‌های ضدفلسطینی و نژادپرستانه خود فارغ‌بال سازد! به همین دلیل بحث مذاکرات هسته‌ای و تغییر در موازنه قدرت منطقه پی زیان‌بران و ذی‌نفعان متعددی در عرصه ملی، منطقه‌پی و بین‌المللی دارد که در حوزه تحلیل شرایط باید سود و زیان این معادلات به درستی مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد.

تفاهم حول پرونده هسته‌ای پی ایران در کنار تنش‌زدایی از سیاست خارجی کشور و ایجاد یک موازنه مثبت در عرصه منطقه‌پی و همچنین تغییر در حوزه سیاست داخلی، هم‌زمان حامل یک تصویر سپاه و سفید خواهد بود. به همین دلیل حامیان جنبش چپ و عدالت اجتماعی با توجه به حلقه اقتصاددانان نتولیرال اطراف دولت روحانی و اشتیاق آنان برای تبدیل رسیدن به تفاهم هسته‌ای پی به یک فرصت جهت تحمیل بیشتر سیستم اقتصاد بازار، ضمن استقبال از تنش‌زدایی از عرصه سیاست خارجی نگران آینده اقتصاد و نظام سیاسی در چارچوب سیاست‌های خصوصی‌سازی و تشدید فساد می‌باشند. در کنار این نگرانی به حق، بعضی از دوستان چپ با رجوع انتزاعی به تاریخ و مشابهت‌سازی تجریدی با پروسه‌های شوک‌سیاسی - اقتصادی در دهه‌های پایانی قرن بیستم در اندونزی، شیلی، آرژانتین، برزیل، اروگوئه و السالوادور که اقتصاددانان مکتب شیکاگو در همکاری با کودتاهای نظامی یک نتولیرالیسم افسارگسیخته را جایگزین دولت‌های رفاهی و مدل توسعه مستقل کردند، نسبت به تبعات جانبی تفاهم نهایی هسته‌ای پی به شدت بدبین هستند.

در شرایط انزوای کنونی قطب بندی‌های منطقه‌پی موجب تنزل جایگاه ژئوپولیتیک کشور می‌شود و مهم‌تر از همه با نظامی‌گری جدیدی که در منطقه راه افتاده است شناسن صلح به همان اندازه کاهش می‌یابد که هر روزه باید شاهد همای شناسن بر سرکلاخود گروهبندی‌های نظامی داخلی و نئوکان‌های خارجی بود

این در حالی است که اصولاً در ایران هم

اکنون اقتصاد کشور هیچ عنصری از مدل مترقی توسعه و رفاه اجتماعی را درون خود نداشته و تقریباً می‌توان مبارزه را در هرم قدرت سیاسی - اقتصادی بیشتر بین الیگارشی به شدت فاسد، رانت‌خوار و قاچاقچی با تکنوکرات‌های سیاسی و بخش خصوصی خواهان همگرایی با اقتصاد نتولیرال جهانی دانست که "نه" در نظم گذشته و "نه" در نظم احتمالی آتی نسبت به از دست دادن دستاوردهای مثبت قبلی جای‌چندانی برای نگرانی (نسبت به از دست دادن امتیازهای رفاهی گذشته) ترفیخواهان و چهگرایان وجود ندارد.

در شرایطی که سپاه آشکارا از قدرت اقتصادی خود در کشور سخن می‌گوید شکست دولت در مذاکرات، در برابر برد سپاه در میدان‌های جنگ در سوریه و عراق و منازعات ضد تروریستی علیه دولت اسلامی (داعش) کار را به سود سپاه یک سره خواهد کرد

حاملان اندیشه چپ به جای ترس از آینده اقتصاد کشور در فردای تفاهم هسته‌ای پی بایست بیشتر بر وضعیت فلاکت‌ناپذیر اقتصاد کنونی تمرکز کنند که از یک طرف به جهت تشدید تحریم‌های اقتصادی ده‌ها میلیارد دلار سرمایه ملی هر ساله به هدر می‌رود، هیولای یک جنگ احتمالی همیشه بر فضای کشور حاکم است، به بهانه مبارزه با استکبار هرگونه فضای حرکتی از احزاب مترقی و نهادهای مدنی سلب می‌شود، در شرایط انزوای کنونی قطب بندی‌های منطقه‌پی موجب تنزل جایگاه ژئوپولیتیک کشور می‌شود و مهم‌تر از همه با نظامی‌گری جدیدی که در منطقه راه افتاده است شناسن صلح به همان اندازه کاهش می‌یابد که هر روزه باید شاهد همای شناسن بر سرکلاخود گروهبندی‌های نظامی داخلی و نئوکان‌های خارجی بود.

در شرایط کنونی فاجعه اقتصادی ایران تحت تاثیر تحریم‌های اقتصادی و انزوای سیاسی فعلی جدا از وضعیت نامطلوبی که ایجاد کرده است به نوعی موجب عدم مسئولیت‌پذیری دولتمداران حاکم و گسترش فساد در بروکراسی کشور شده است.

این آناشرشی و از هم‌گسیختگی در نظام سیاسی - اقتصادی حاکم نه تنها موجب تقویت اقتصاد ملی و تداوم حیات مدل توسعه اقتصادی (که هرگز در دهه‌های اخیر در ایران وجود خارجی نداشته است) نمی‌شود که روز به روز بر عمق فاجعه می‌افزاید. مسئولیت‌پذیری جناح‌های داخلی مترقی و به خصوص جنبش چپ در این شرایط در وهله اول می‌بایست حول خروج از این سیکل معیوب و چارچوب فاجعه آمیز کنونی ...

ادامه در صفحه ۱۴

یک هفته با حقوق بشر در ایران



حقوق اقلیت‌های مذهبی

فشار بر بهائیان در ماه‌های اخیر در ایران افزایش یافته است. ۱۷ اسفند، یک مرد بهائی و پسر ۱۷ ساله‌اش در خانه بازداشت و به زندان بزد منتقل شدند. بنا به اظهار خانواده‌شان، آنان به اقدام علیه امنیت ملی متهم‌اند. کامپیوتر، کتاب‌ها و تلفن‌های همراه‌شان نیز ضبط شده‌اند.

۱۸ اسفند، با یورش نیروهای امنیتی به خانه لاله مهدی‌زاده در شهر ورامین، او به همراه شماری دیگر از بهائیان بازداشت شدند. تا کنون، بجز مهدی‌زاده که در زندان اوین در حبس است، بقیه بازداشتی‌ها آزاد شده‌اند.

به گزارش هرانا، در هفته‌های گذشته بیش از ۲۰ خانه دیگر در شیراز مورد یورش نیروهای امنیتی قرار گرفته، پس از جستجوی منازل، لوازم شخصی افراد ضبط شده‌اند.

در راستای پوشش مسائل مرتبط با حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی در کشور، نبض‌ایران شماره ۹۳ نبض‌نامه را به وضعیت حقوق شهروندی جامعه بهائی در ایران اختصاص داده است. نبض‌نامه اسفند ۹۳ را اینجا مطالعه کنید. در واکنش به وقایع اخیر، گروه ۷۵ نفره‌ای از فعالان شناخته‌شده کشور با ابراز همدردی با جامعه بهائی، طی نامه سرگشاده‌ای به صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه، مسئولیت او را نسبت به مفاد قانون اساسی یادآور شده، خواستار احترام به حقوق بهائیان شدند.

آزادی بیان

۲۵ اسفند، معاون فرهنگی قوه قضائیه در پی منتفی شدن پی‌پای کنسرت‌های موسیقی در ماه‌های گذشته در کشور اظهار کرد، کنسرت موسیقی خلاف قانون نیست. با این حال او افزود که کنسرت نباید موجب بروز مسائل اجتماعی، همچون اختلاط زن و مرد در سالن کنسرت شود؛ موضوعی که دلیل منتفی شدن بسیاری از کنسرت‌های اخیر اعلام شده است. هم‌زمان، جمعی از هنرمندان و موسیقیدانان کشور طی نامه‌ای به فرماندار خراسان از او خواسته‌اند به ممنوعیت کنسرت موسیقی در شهر مشهد خاتمه دهد.

سازمان گزارش‌گران بدون مرز به تازگی پروژه‌ای را آغاز کرده تحت نام «آزادی هم‌آیند» که برای کاربران در ۱۱ کشور جهان امکان دسترسی به ۹ وبسایت فیلترشده در آن کشورها را فراهم می‌آورد.

برای ایران، وبسایت گویانیوز انتخاب شده که هم اکنون از طریق یک صفحه آینه برای کاربران قابل دسترس است. از سوی دیگر، نیروهای امنیتی در ایران طی عملیاتی به نام «عنکبوت»

به سرکوب کاربران اینترنت می‌پردازند. بنا به گزارشها، تا کنون بیش از ۲۰۰ تن در استان سیستان و بلوچستان به اتهامات مرتبط با اینترنت بازداشت شده‌اند.

حقوق زن

۲۰ اسفند، سازمان عفو بین‌الملل طی بیانیه‌ای به شدت نسبت به طرح افزایش جمعیت در کشور انتقاد کرده، قانون پیشنهادی را ابزاری برای تقلیل نقش زن به «ماشین تولید بچه» نامیده است. هم‌اکنون، شورای نگهبان مشغول بررسی «طرح افزایش باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت» (طرح ۴۴۶) است که دسترسی زنان به امکانات پیشگیری از بارداری را محدود می‌کند. دیگر طرح جنجال‌برانگیز، «طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده» (طرح ۲۱۵) است که فرصت‌های شغلی زنان بدون فرزند را کاهش می‌دهد. ۱۷ اسفند، به مناسبت روز ۸ مارس، بنیاد آرمان‌شهر، از اعضای فدراسیون بین‌المللی جوامع حقوق بشری، نسخه ترجمه‌شده کنوانسیون رفع تمام اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) را منتشر کرد.

حقوق زندانیان

پدر حسین رونقی ملکی، وبلاگ‌نویسی که طی سال‌های اخیر چندین بار زندانی شده، تهدید کرده که اگر به پسرش مرخصی پزشکی داده نشود خود را مقابل دفتر دادستانی تهران به آتش خواهد کشید. حسین رونقی ملکی دچار از کار افتادگی کلیه شده و در شرایط بحرانی به سر می‌برد.

۱۹ اسفند، کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی گزارش داد که نیروهای امنیتی به سلول زندانیان سیاسی زندان رجائی‌شهر کرج حمله کرده، اسباب‌های‌شان را به هم ریخته و مورد جستجو قرار داده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل، طی بیانیه‌ای کور کردن مجرمی را که به قصاص محکوم شده بود، بی‌رحمی غیرقابل وصف، خواند. فرد قربانی متهم بود که توسط اسیدپاشی موجب کور شدن شخص دیگری شده است. قرار است چشم دیگر او نیز در تاریخ دیگری کور شود. دادگاه انقلاب سیزده فردی را که یورش اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ نیروهای امنیتی به بند زندانیان سیاسی زندان اوین را گزارش داده بودند، به مجموع ۱۸ ماه زندان محکوم کرده است. رضا شهبابی، کامران ایازی و امید زائری‌نژاد در هنگام یورش در محل حاضر بودند. این یورش بعدها به پنج‌شنبه سیاه مشهور شد. ۱۷ اسفند، سازمان بین‌المللی «جبران و عدالت برای ایران» با ثبت شکایتی در کارگروه بازداشت‌های خودسرانه سازمان ملل، خواستار آزادی زینب جلالیان، زندانی کرد شد. جلالیان که از سال ۱۳۸۷ به جرم محاربه زندانی است، به دلیل بیماری‌های مختلف، از جمله خطر از دست دادن کامل بینایی، نیازمند درمان فوری است. امیر حکمتی، کارمند سابق نیروی دریایی آمریکا که محکومیت ۱۰ سال زندان را در ایران می‌گذراند در تلاش است تا از تابعیت ایرانی خود انصراف داده تا بدین ترتیب به آمریکا مسترد گردد.

حقوق کارگر

۱۸ اسفند، پس از ماه‌ها مذاکره و جنجال در

نهایت شورای عالی کار با افزایش حداقل دستمزد به میزان ۱۷ درصد برای سال ۱۳۹۴ موافقت کرد. میزان ۷,۱۲۴,۲۵۰ ریال برای حداقل دستمزد، کمتر از ۲۵ درصد افزایشی است که نمایندگان کارگران خواستار آن بودند و در دو سال گذشته با آن موافقت شده بود.

۲۳ اسفند، یک دستفروش خرمشهری در اعتراض به بسته شدن کسب و کارش مقابل شهرداری دست به خودسوزی زد. او هم‌اکنون در بیمارستان و در شرایط بحرانی به سر می‌برد (*).

حقوق سیاسی

۱۸ اسفند، علی مطهری، نماینده مجلس، در حین بازدیدی از شیراز که برای صحبت در دانشگاه شهر انجام شده بود، مورد حمله لباس‌شخصی‌ها قرار گرفت. مطهری که از نمایندگان محافظه‌کار مجلس است، طی ماه‌های گذشته و به دلیل مخالفت با حبس خانگی رهبران جنبش سبز مورد انتقاد شدید هم‌فکران خود قرار گرفته است. با وجود اظهارات استاندار فارس مبنی بر شناسایی حمله‌کنندگان در ۲۳ اسفندماه، تا زمان نوشتن این مطلب کسی در این رابطه بازداشت نشده است.

۲۸ اسفند، ۶۰۸ تن از اساتید دانشگاه‌های کشور در نامه سرگشاده‌ای به صادق لاریجانی، رئیس قوه قضائیه، ممنوعیت‌ها علیه محمد خاتمی، رئیس‌جمهور سابق، را بر خلاف قانون اساسی خوانده، خواهان رفع این ممنوعیت‌ها شدند. ۲۲ اسفند، نیروهای امنیتی مانع بازدید خانواده‌های اعدام‌های سیاسی سال ۶۷ از قبرستان خاوران شدند. هزاران نفر از اعدامیان در این گورستان به صورت دست جمعی دفن‌اند. این خانواده‌ها به طور سنتی آخرین جمعه هر فصل تابستان و زمستان در این مکان جمع می‌شوند.

حقوق کنشگران

۱۶ اسفند، علی‌شناس، آتنا دائمی، آسو رستمی و آرش صادقی با اتهامات مختلفی از جمله تبلیغ علیه نظام و توهین به رهبری در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب محاکمه شدند. این افراد به مدت شش ماه بدون تفهیم اتهام در بازداشت بودند. ۲۴ اسفند، آرش صادقی با قید وثیقه آزاد شد.

حقوق بشر

احمد شهید، گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در زمینه حقوق بشر در ایران، گزارش ماه مارس ۲۰۱۵ خود را منتشر کرد. در این گزارش او وضعیت حقوق بشر در ایران را از هنگام شرکت ایران در دومین دور بررسی ادواری جهانی (UPR) که در اکتبر ۲۰۱۴ برگزار شده بود، مرور می‌کند. آقای شهید ۲۵ اسفندماه گفت که او اعتقاد دارد وضعیت کلی حقوق بشر در ایران بدتر شده. ۲۸ اسفند، فدراسیون بین‌المللی جوامع حقوق بشری، طی بیانیه‌ای تدارم و خاتم وضعیت حقوق بشر در کشور را مورد انتقاد قرار داده، اعلام کرد که حکومت ایران بخش بزرگی از رهنمودهای دور نخست UPR را نادیده گرفته است.

(* او، که نامش یونس عساکره بود، روز یکشنبه دوم فروردین در بیمارستان مطهری جان سپرد.

اقتصاد ایران در سالی که گذشت و چشم انداز آن

دکتر محمد حسین یحیایی



دیگر واحد های دولتی است که از رانت و درآمد های نفتی با تعدیل برخی از تحریم ها صورت گرفته است. غلام رضا مصباحی مقدم نماینده تهران هم رشد اقتصادی را غلط انداز و افسانه خواند. خوشبینی برای خروج از بحران که در ماه های نخست سال ۹۳ خود را نشان می داد جای خود را با آغاز کاهش قیمت نفت به بدبینی و تردید های جدی داد، فشار اقتصادی در گفتار روحانی انعکاس یافت که گفت: اگر اطلاعات، پول و سرمایه و سایت همه در یک نهاد جمع شود، حتی ابوز و سلمان هم وجود داشت فاسد می شد. بعد از این گفتار اسحاق جهانگیری برای پائین آوردن انتظار های مردم از دولت در کنفرانس اقتصادی ایران گفت: ۸۰ درصد از بودجه صرف هزینه های جاری می شود، در یکی دوسال آینده هیچ بودجه ای برای طرح های عمرانی باقی نخواهد ماند، اگر تحریم ها برداشته شود، رشد اقتصادی در بهترین حالت از ۲ تا ۳ درصد فراتر نخواهد رفت، بنابراین بر شمار بیکاران افزوده خواهد شد و این تهدید جدی است.

بنابراین دولت تدبیر و امید هم، راه پیشینیان را برگزید و از حجم بودجه عمرانی کاست ولی بودجه نهاد های مذهبی به شدت افزایش پیدا کرد بگونه ای که در بودجه سال ۱۳۹۳ نهاد های حوزه های علمیه (۱۸ نهاد) با بودجه هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان از ۵ دانشگاه مهم و عمده کشور (شریف، امیر کبیر، شهید بهشتی، علم و صنعت و علامه طباطبائی) با بودجه ای معادل ۶۸۷ میلیارد تومان پیشی گرفت، در این میان ۲ میلیون طلبه هم به مدارس فرستاده شد که به محتوای درسی و رفتار دانش آموزان نظارت کنند.

یکی از چالش های مهم اقتصاد در شرایط کنونی، افزایش روز افزون بیکاری است که رژیم قادر به حل و یا پایان دادن به آن نیست

نیمه اول سال که با آزاد سازی بخشی از درآمد های نفتی همراه بود و با درآمد های نفتی و فرآورده های آن که هنوز پائین نیامده بود سپری شد، گزارش بانک مرکزی و مرکز آمار کشور نشان داد که میزان رشد اقتصادی از منفی خارج شده و در راستای رشد مثبت پیش می رود ولی بحران در نهاد های اقتصادی همچنان ادامه داشت و سخنان ضد و نقیض در این رابطه از مسئولان شنیده می شد، اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهور در نشست مجمع عمومی فراکسیون اصولگرایان مجلس می گفت: سیستم بانکی در بحران و در مرز هشدار است، مجموع مطالبات معوقه به بانک ها از مرز ۸۲ هزار میلیارد تومان گذشته است، در این سال هم پولی به بانک ها برگردانده نشد زیرا بهره آنها گاهی زیر ۱۰ درصد است و در همه این مدت که تورم بالای ۴۰ درصد بوده از این مبالغ سود هنگفتی برده اند. در نیمه اول سال ۹۳ اسحاق جهانگیری معاون اول روحانی یک بخشنامه ۶ ماده ای به وزارت خانه ها، بانک مرکزی و موسسات دولتی فرستاد و خواستار تهیه سیاست ها و راه کار های خروج از « رکود غیر تورمی » شد تا با هماهنگی شورای راهبردی و کارگروه تخصصی وزارت دارایی برای برون رفت از رکود فراهم شود و همزمان بانک مرکزی رشد بهره سال ۹۳ را ۴ و شش دهم اعلام کرد. روحانی رئیس دولت هم گفت: اقتصاد بعد از دو سال رشد منفی از رکود خارج شده، نرخ تورم هم تا پایان سال به زیر ۲۰ درصد خواهد رسید. هر چند این گفتار و ارقام با تردید های جدی در محافل علمی و کارشناسی روبرو است. رئیس اتاق بازرگانی تهران می گوید: تورم معیشتی مردم و مواد غذایی تغییر نکرده، واحد های کوچک و متوسط صنعتی همچنان در بحران به سر می برند. رشد اقتصادی که از سوی بانک مرکزی گزارش شده، مربوط به خودرو سازی، پتروشیمی و

دولت حسن روحانی که خود را « دولت تدبیر و امید » نامید، با هیاهوی فراوانی کار خود را آغاز کرد، نفرات تیم اقتصادی خود را از طرفداران سرسخت و پیگیر نظام نتولیرالیسم برگزید و راه برون رفت از بحران اقتصادی را به مذاکره و توافق با کشورهای پنج به اضافه یک گره زد. مذاکرات پیگیر از همان روز های نخست آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد. ولی اقتصاد با همه تلاش ها و هیاهو ها در مسیر برون رفت از بحران و یا رونق قرار نگرفت. بهانه دولت در ناکامی و ناتوانی در ماه های نخست، لایحه بودجه، فساد گسترده و تخریبات مهم اقتصادی و اجتماعی در دولت پیشین بود، بنابراین دولت برای تحقق وعده های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود، سال ۱۳۹۳ را نشان داد زیرا لایحه بودجه را خود تنظیم کرده، فرصت های لازم را برای پیشبرد سیاست های اقتصادی و اجتماعی در دست داشت. سال ۱۳۹۳ را خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی همانند سال های پیشین با شعار اقتصادی « اقتصاد و فرهنگ با عزم ملی و مدیریت جهادی » آغاز کرد که محتوای چندانی نداشت و بعد از همان روز های نخست به فراموشی سپرده شد، حسن روحانی که خود سال های طولانی مقام امنیتی داشت با تیم اقتصادی اش دنبال راه کاری بود که بتواند تورم روز افزون را مهار کند.

خوشبینی برای خروج از بحران که در ماه های نخست سال ۹۳ خود را نشان می داد جای خود را با آغاز کاهش قیمت نفت به بدبینی و تردید های جدی داد

بار دیگر نهاد های اقتصادی و نظارتی را که از سوی دولت احمدی نژاد منحل شده بود بازسازی کرد ولی نتوانست اقتصاد زیرزمینی، فاجاق گسترده کالا، فساد اقتصادی و نهاد های اقتصادی وابسته به نهاد های گوناگون را زیر نظر و کنترل دولت درآورد و شامل مالیات سازد. از آن با چالش های بزرگی روبرو بود، از یک سو با کاهش شدید و کسری بودجه مجبور به قرض و یا چاپ اسکناس و افزایش نقدینگی بود که تورم را به پرواز در می آورد، از سوی دیگر کاهش نقدینگی به رکود بیشتر تولید و توزیع می انجامید که اقتصاد ایران با افزایش شدید واردات از سوی دولت عدالت محور احمدی نژاد و حامی سرسخت آن خامنه ای گرفتار آن معضل شده بود.

در نیمه دوم سال ۹۳ با کاهش درآمد های نفتی از رشد اقتصادی به شدت و سرعت کاسته شد که نشان دهنده وابستگی اقتصاد ایران به درآمد های نفتی است، در این نیمه، رشد اقتصادی به صفر رسید و مجموعه رشد را به یک درصد و یا کمی بیشتر در سال کاهش داد

ولی همزمان همکاری های اقتصادی دولت با نیروهای نظامی افزایش یافت و جهانگیری در مراسم افتتاح فاز دوم توسعه تغلیظ مجتمع مس سونگون گفت: دولت ۷۰ هزار میلیارد تومان پروژه در اختیار قرارگاه خاتم الانبیا گذاشته و همگی آنها از طرح های مهم و سود ده هستند، این رفتار و گفتار متناقض نشان می دهد که دولت در مسیر جداگانه ای از مردم و خواسته های آنان قرار گرفته است. ادعای پائین آوردن میزان تورم هم دور از واقعیت است زیرا قیمت مواد غذایی، کرایه خانه، حمل و نقل و دیگر اقلام ضروری ...

ادامه در صفحه ۱۰

اقتصاد ایران ...

ادامه از صفحه ۹

در مواردی بیش از ۳۰ درصد افزایش یافته است. همزمان حجم نقدینگی هم تا پایان سال ۹۳ از ۷۵۰ هزار میلیارد تومان گذشته که می تواند قیمت ها را در چند ماه آینده تحریک کند. در نتیجه شاخص فلاکت (بیکاری + تورم) رو به افزایش خواهد بود. یکی از چالش های مهم اقتصاد در شرایط کنونی، افزایش روز افزون بیکاری است که رژیم قادر به حل و یا پایان دادن به آن نیست. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران؛ بیشترین تعداد بیکاران تا ۴۰ درصد مربوط به لیسانسیه ها است، تعداد بیکاران در مقطع تحصیلی حرفه ای (پزشکی) هم بسیار بالا است. تعداد کل افراد دارای لیسانس ۷ میلیون و ۱۷۴ هزار نفر است که از این تعداد ۲ میلیون و ۷۶۹ هزار و ۱۹۴ نفر غیر فعالند. در این میان با تعطیلی واحد های تولیدی بر تعداد بیکاران افزوده می شود. تلاشی در راستای افزایش تولید در حوزه هایی که کشور توانایی آن را دارد صورت نمی گیرد، بیشترین واردات در بخش کشاورزی است، بر اساس گزارش گمرک ایران واردات گندم با بیش از ۲ میلیارد و ۵۷۰ میلیون دلار مقام اول را دارد، در همین حوزه ذرت دامی، دانه های روغنی، برنج و ... از واردات عمده کشور اند. این در شرایطی است که بخش

مهمی از زمین های زراعی، جنگل ها و شالیزار های شمال تخریب و به خانه و ویلا سازی تبدیل می شوند. در نیمه دوم سال ۹۳ با کاهش درآمد های نفتی از رشد اقتصادی به شدت و سرعت کاسته شد که نشان دهنده وابستگی اقتصاد ایران به درآمد های نفتی است، در این نیمه، رشد اقتصادی به صفر رسید و مجموعه رشد را به یک درصد و یا کمی بیشتر در سال کاهش داد. این روند اختلاف نظر بین تیم اقتصادی روحانی را بیشتر کرد و بدینی را برای سال ۱۳۹۴ افزایش داد. روحانی در راستای خواسته های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی الگوی رشد اقتصادی ترکیه را در پیش گرفت که اقتصاد خود را با جذب سرمایه، خصوصی محور کند. در نخستین اقدام برخی از نمایندگان اتاق بازرگانی بویژه در بخش پوشاک را به تهران دعوت کرد. هزینه خدمات بهداشتی، آب و برق و دیگر حوزه ها را افزایش داد، تهیدستان جامعه را که در فقر مطلق به سر می برند به فقر بیشتر محکوم کرد. روحانیان و امام جمعه برخی از شهر ها (مشهد، تهران) به یاری وی آمده از مردم خواستند که یک وعده غذا بخورند و از اقتصاد مقاومتی حمایت کنند! تجاوز به حقوق کارگران و زحمتکشان ادامه یافت. در حالی که خط فقر در حد اقل خود به یک میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می رسد، حداقل مزد را به ۷۲۰ هزار تومان افزایش داد. در این میان برخی از کارشناسان

اقتصادی ایران که از نظر فکری و ذهنی به دولت روحانی نزدیک اند، با نگرانی و دلهره از آینده بویژه از خیزش عمومی مردم به دولت توصیه کردند که تورم را به حال خود رها کند. لیلان کارشناس اقتصادی در گفتگو با روزنامه « آرمان » گفت: تمرکز دولت بر مهار تورم مانع از رشد متناسب می شود، دولت باید تورم را به حال خود رها کند، تورم ۱۵ تا ۲۰ درصد در ایران پذیرفته شده است. بخش خصوصی هم پایان دادن به مهار تورم است. زیرا آنان در طول تاریخ از تورم سود برده به انباشت خود افزوده اند. آنکه مشاهده می شود، اینکه اقتصاد ایران سال دشوار و سختی را در پیش رو دارد، رشد اقتصادی اگر منفی نباشد، در شرایط کنونی مثبت نخواهد بود، از هم اکنون کسری بزرگ بودجه، مشاهده و پیش بینی می شود که تاثیر خود را در بودجه عمرانی و افزایش شدید قیمت ها نشان خواهد داد. وحشت از خیزش مردم به ویژه زحمتکشان و تهیدستان رو به گسترش است، رژیم درمانده از حل معضلات به شعار های تو خالی متوسل می شود که در سخنرانی رهبر و نامیدن سال ۱۳۹۴ به « سال دولت و ملت، همدلی و همزیانی » خود را بازتاب می دهد.

منبع: عصر نو

شادباش نوروزی مادران پارک لاله ایران



مادران پارک لاله

سال ۱۳۹۲ را با تمام پلشتی های آن به پایان رساندیم، سالی که با وجود فعالیت های بسیار برای لغو مجازات اعدام، حدود ۸۰۰ نفر زندانی سیاسی و عادی در یک سال اعدام شدند. سالی که شاهد نقض گسترده حقوق بشر در آن بودیم، از جمله: بیکار شدن دگراندیشان و مبارزان راه آزادی، تبعید تعدادی از زنان به زندان قرچک و رامین، اذیت و آزار مادران و خانواده های خاوران، مرگ بسیاری از عزیزانمان، جلوگیری از شادی و رقص و پایکوبی مردم، جلوگیری از برگزاری مراسم های مختلف، محدودیت و محرومیت زنان از زندگی، گرانی، بیکاری، بیماری، آلودگی هوا، فقر، تعطیلی کارخانه ها، و غیره و غیره که حتی امکان نام بردن از همه ی تبعیض ها و بی عدالتی ها میسر نیست. ولی با وجود تمامی این سرکوب ها برای ترساندن مردم، تلاش های بسیاری شد که این شرایط سخت را پشت سر بگذاریم و می گذاریم. مادران و خانواده های داغدار و آسیب دیده همچنان ایستاده اند و با برگزاری مراسم های یادبود و همدردی با همدیگر، فریاد دادخواهی سر می دهند، جوانان فعال و مبارز به روش های مختلف جلوی بیدادگری ایستاده اند و در هر کوی و برزنی اعتراض خود را نشان می دهند، زنان مبارز جلوی تبعیض ها ایستاده اند و مراسم هشت مارس را با مشکلات بسیار برگزار می کنند، کارگران و معلمان و پرستاران و دانشجویان ایستاده اند و با اعتصاب و اعتراض حق خود را می خواهند، وکلای مبارز جلوی بی عدالتی ایستاده اند، نویسندگان و مترجمان و وبلاگ نویسان با افشای بی عدالتی ها و تبعیض ها برای کسب آزادی بیان و اندیشه ایستاده اند، زندانیان سیاسی و خانواده های آنها با اعتراض و اعتصاب و مقاومت دلیرانه جلوی بیدادگری ایستاده اند، ... و مادران پارک لاله نیز همراه با خانواده ها و دادخواهان ایستادند و افشاگری کردند و همچنین با تلاش شبانه روی کتابی به نام «دادخواهی به زبان ساده و مروری بر فعالیت های دادخواهان» بیرون دادند و امیدواریم این کتاب بتواند راه ما و دادخواهان را برای دادخواهی روشن تر کند و بتوانیم محکم تر از قبل، ادامه دهنده راهمان باشیم. نوروز و بهار و رویش جوانه ها در راه است و آن را به همه ی مردم ایران شادباش می گوئیم. باید امید داشت که زندگی در جریان است و مبارزه نیز پایانی ندارد، هرچند بسیاری از مردم از این همه بیداد خسته شده و برخی گوشه نشینی را برگزیده اند، ولی تردیدی نداریم که همه مردم روزی در برابر بیدادگری خواهند ایستاد و زمستان می گذرد و بهاری شاد و امیدبخش و انسان ساز در راه خواهد بود و با همدیگر آن بهار را جشن خواهیم گرفت. بهاران خجسته باد!

نگاهی به موقعیت زنان در ایران و خاورمیانه آزاده دوچی



موقعیت زن ایرانی در جامعه‌ی سنتی عجین شده با مذهب ایرانی، از دیرباز تا به کنون دستخوش تلاطم و تغییرات بسیاری بوده است. موقعیت زنان در نتیجه‌ی عوامل مختلف، تغییر کرده و بسته به شرایط تاریخی و یا موقعیت حساس سیاسی جامعه خود، جایگاه‌های متفاوتی را کسب کرده است. البته تغییر موقعیت زنان در جوامع امروزی تنها محدود به ایران نیست بلکه در سراسر دنیا بسته به میزان توان جمعی زنان، میزان سازمانیابی آنان، گستردگی فعالیت‌ها، و نیز نوع اعمال قوانین و سیاست‌های عمومی دولت، این تغییر جایگاه و نوسانات منتج از آن، به طور مداوم اتفاق می‌افتد.

چالش‌های سیاسی در دوسال اخیر بعد از انتخابات ۸۸ و همینطور محدودیت فعالیت‌های حزبی و حضور زنان در احزاب مخالف به حذف بسیاری از فعالیت‌های زنان به صورت محرز در ساختارهای سیاسی در ایران دامن زده و نتیجتاً موقعیت زنان را با چالش جدی در برابر تصویب روز افزون قوانین تبعیض آمیز قرار داده است

می‌توان گفت شرایط سیاسی و اجتماعی در هر دوره بر روند این تغییر موقعیت تأثیر بسزایی گذاشته است تا آنجایی که عدم ثبات در موقعیت زنان به خصوص در کشورهایی چون ایران معلول همین شرایط پُر نوسان بوده است. در کشورهای جهان سوم و به ویژه در کشورهای که در آنها قوانین شرع و اسلام حاکم است موقعیت زنان بیشتر از کشورهای دیگر (بسته به گشایش یا تصلب فضا و بافت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی درون جامعه) تعیین می‌گردد چرا که عامل مذهب که عموماً با مردسالاری سنتی عجین شده است به نحو فزاینده‌ای بر این موقعیت (که طبعاً به حوزه روابط تو بر توکی خانواده نیز گسترش می‌یابد) تأثیر می‌گذارد. در عین حال، هر تغییر در ماهیت سیاسی و یا ساختارهای اجتماعی و فرهنگی جامعه از طریق قانون گذاری و اجرای قوانین مورد نظر - و یا چرخش سیاست‌های کلان جهانی و تغییر در بافت روابط بین الملل - بر موقعیت زنان در این کشورها تأثیر قابل توجهی خواهد گذاشت.

موقعیت زنان در ایران هم از این شرایط مستثنا نیست، موقعیت زن ایرانی تحت شرایط مختلف، تغییرات بسیاری کرده است تغییراتی که گاه تأثیری مثبت بر روند رو به رشد موقعیت زنان در ایران داشته است و در بعضی از موارد بر عکس، آنها را از جایگاه شان حتا به عقب رانده و در نتیجه تأثیری منفی بر روند رو به رشد حضور زنان (و به رغم رشد و اعتلای فردی آنان) گذاشته است. تغییر شرایط سیاسی

گذاری و سیاست‌های دولت حاکم در قبال زنان و فعالان حقوق زن است. این مسئله را از دو جهت کلی می‌توان بررسی کرد. در سطح اول: بررسی قوانین تصویب شده و مدنی در حوزه‌ی زنان را شامل می‌شود، و سطح دوم: تحلیل و بررسی دشواری‌ها و پیچیدگی‌های فعالیت کنشگران جنبش زنان در طول یک سال گذشته است. با حاکم شدن دولت جدید بعد از انتخابات مناقشه آمیز سال ۸۸ و وارد شدن فضای عمومی جامعه به جنبش اعتراضی، میزان فعالیت‌های زنان نیز تحت تأثیر قرار گرفت. اما این تأثیر و تأثر، تنها اثر این رویداد سیاسی نبود بلکه با قدرت گرفتن نیروهای اقتدارگرا در حوزه‌های اجرایی و مدنی، نتیجتاً بسیاری از قوانین اجرایی علیه زنان، شدت اجرایی بیشتری گرفت و همین امر سبب شد که عرصه برای رشد و پیشرفت زنان در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تنگ تر از گذشته شود.

با مشاهده‌ی اتفاقات حاصل شده در کشورهای خاورمیانه که بافت به نسبت مشابهی با ایران دارند می‌توان نتیجه گرفت که اصلی ترین چالش برای پیشرفت زنان، حضور پر قدرت بنیادگرایان اسلامی است که در نتیجه، مدام زنان را از منن مبارزات سیاسی و ساختارهای اجتماعی پس می‌زند

با اینکه زنان در ایران در طول چند دهه‌ی گذشته و به واسطه فعالیت‌های پیگیر و مستمرشان - و به خصوص باز شدن نسبی فضای سیاسی در زمان اصلاح طلبان - توانسته بودند دستاوردهای بسیاری را نسبت به گذشته کسب کنند، و از سوی دیگر پیشرفت مستمر زنان در حوزه‌های تخصصی و تحصیلی راه را برای ورود آنان به حوزه عمومی و مراکز شغلی و اقتصادی (که در انحصار کامل جامعه سنتی و مردسالار قرار داشت) گشوده بود اما بلافاصله بعد از شکل گیری دولت نهم این دستاوردها یکی پس از دیگری با محدودیت‌های قانونی و تنگنای کارکردی، مواجه شد. مرور اجمالی اخبار و رویدادهای یک سال گذشته به خوبی نشان می‌دهد که با قدرت گرفتن نیروهای اصول گرا، سهم زنان در بسیاری از مشارکت‌های اجتماعی عملاً محدود گشته است. از سوی دیگر به دلیل فشار سیستماتیک امنیتی و قضایی بر کنشگران حقوق زنان (حتا بر آنانی که صرفاً در عرصه‌های مدنی فعال بوده‌اند تا سیاسی)، موجب شده است تا اعتراض به قوانین نابرابر موجود توسط بسیاری از این فعالان همانند گذشته صورت نگیرد. عوامل مختلف که بر میزان موقعیت و فعالیت حقوق زنان در ایران تأثیر گذاشته است را به اختصار می‌توان به چند دسته‌ی زیر تقسیم کرد:

در جامعه‌ی ایرانی رابطه‌ی مستقیمی با موقعیت زنان در ایران داشته است چرا که با هر تغییر سیاسی، نوع قانون گذاری، و نحوه‌ی اجرای قوانین توسط هر دولتی که بر سر قدرت آمده، تغییر کرده است. از سوی دیگر از آنجا که زنان در جامعه‌ی ایرانی عموماً تحت تأثیر این دگرگونی‌ها و تغییرات سیاسی و اجتماعی قرار می‌گیرند در نتیجه ناچارند تا مدام استراتژی‌های حضور خود را در جامعه‌ی ایرانی - بسته به این شرایط - تغییر دهند. گاهی این تغییرات، خود به خودی است و در پروسه‌های سیاسی و جوشش‌های فرهنگی شکل می‌گیرد. برای مثال حوادثی که بعد از انتخابات ریاست جمهوری در ایران اتفاق افتاد به نحو قابل ملاحظه‌ای بر این موقعیت تأثیر گذاشت و موقعیت زنان را دچار دگرگونی‌های شگرفی کرد. از سوی دیگر «بهار عربی» که همراه شکل گیری جنبش اعتراضی مردم در ایران آغاز شد نیز تأثیر غیرقابل انکاری بر موقعیت زنان در کشورهای منطقه داشته است.

تغییرات اعمال شده در ساختار سیاسی که خواه ناخواه منجر به اعمال قانون گذاری در حوزه اجتماعی و قوانین مدنی هم می‌شود باعث شده که موقعیت زنان در ایران و بسیاری از این کشورها نسبت به گذشته تغییر بسیاری داشته باشد و حتی از روند رو به رشد خود در چند سال اخیر در مورد ایران نیز باز بماند.

موقعیت زنان در جامعه‌ی امروز ایران با توجه به چنین وضعیتی می‌توان گفت موقعیت زن ایرانی در شرایط کنونی ایران بیشتر از هر چیز تحت تأثیر عوامل سیاسی قرار گرفته است. این سیاست‌ها که بر بافت جامعه ایرانی به طرز عمیق تأثیر گذاشته‌اند تنها محدود به سیاست‌های داخلی نیستند بلکه سیاست‌های عمومی جهانی در قبال ایران هم به نوبه‌ی خود تأثیرات زیادی بر موقعیت زنان در ایران در طول چند سال گذشته و به خصوص در یک سال اخیر در ایران داشته است.

فشار وارده بر بسیاری از خانواده‌های ایرانی در اثر مشکلات و تحریم‌های اقتصادی بنیان عاطفی بسیاری از خانواده‌های ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است که آسیب پذیری زنان در این روندهای ویرانگر، جدی تر از دیگر اقشار اجتماع است

با نگاهی به اخبار مربوط به زنان در حوزه‌های مختلف می‌توان تأثیر بلامنازع این سیاست‌ها را بر موقعیت زنان ارزیابی کرد و نهایتاً نتیجه گرفت که چگونه و بنا به چه دلایلی وضعیت امروز جامعه‌ی ایرانی - به طور مستقیم یا غیر مستقیم - زیر سایه این سیاست‌ها قرار گرفته است. در واقع آن چیزی که در حال حاضر تأثیر بسزایی بر موقعیت زنان گذاشته است نحوه‌ی قانون

ادامه در صفحه ۱۲

تامین برابر حقوقی زن و مرد یکی از پایه‌های اصلی برنامه سازمان است

نگاهی به موقعیت ...

ادامه از صفحه ۱۱

موقعیت و فعالیت حقوق زنان در ایران تأثیر گذاشته است را به اختصار می‌توان به چند دسته ی زیر تقسیم کرد: ۱ - تأکید بر ارزش‌های اسلامی در مقابل ارزش‌های غربی؛ شعار مبارزه با غرب و ملی‌گرایی که از زمان قبل از انقلاب برای زمینه سازی انقلاب اسلامی مطرح شد و بعد از انقلاب ۵۷ در تمامی ساختارهای سیاسی و اجتماعی جامعه ی ایرانی نفوذ کرده است یکی از عوامل مؤثر بر تغییر موقعیت زنان در جامعه ی ایرانی است. شعار مبارزه با ارزش‌های غربی در طول سی و دو سال گذشته انقلاب اسلامی، موجب شده است که بخش زیادی از فعالیت‌های زنان برای احقاق حقوق شان عموماً از همین زاویه ی «غربی بودن» مورد حمله قرار بگیرد. طرح پوشش اجباری و حجاب اجباری و سخت‌گیری‌های پوششی در مورد زنان که از همان سال‌های اولیه آغاز انقلاب شروع شده است با هدف ایستادگی در برابر ارزش‌ها و تفسیر غرب از جایگاه زن و نشان دادن الگوی ملی از زن ایرانی است.

بیکاری ناشی از رکود اقتصادی و تحریم‌های کمرشکن خارجی نیز اولین قربانی خود را از میان زنان می‌گیرد و بسیاری از آنان را که سرپرست خانوار هستند با مشکلات معیشتی حاد و تأمین نیازهای فرزندانشان مواجه کرده است

سختگیری‌های پوششی با شروع فصل تابستان و همینطور ارائه ی لباس‌ها ی متحدالشکل برای زنان، محروم کردن دانشجویان دختر از تحصیل به دلیل پوشش نامناسب، و صدها مورد دیگر، از نتایج همین استراتژی حکومت برای محدود کردن حضور زنان به بهانه ی تثبیت الگوهای ملی است. از سوی دیگر این ارزش‌ها مدام از سوی مقامات ارشد نظام تقویت و تشویق می‌شوند. تأکید بر نگاه داشتن بنیان سنتی خانواده و ارزش‌های اسلامی و همینطور پُر رنگ تر کردن نقش زنان در امور خانه داری و نگه داری از فرزندان - به عنوان یکی از امور اصلی و محوری وظایف زنان - نیز از دیگر عوامل در پُر رنگ تر کردن ارزش‌های اسلامی در کانون خانواده است. از دیگر تأثیرات این رفتارها می‌توان به ارائه لویجی همچون «لایحه حمایت از خانواده»، تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها، دورکاری، قوانین نابرابر اشتغال زنان و نظایر این سیاست‌ها اشاره کرد که برای تقویت نقش‌های سنتی زنان به کار گرفته شده است. یعنی تقویت نقشی که با موقعیت کنونی بسیاری از زنان ایرانی - که هم اکنون پا به پای همسرانشان نان آوران خانواده هستند - عملاً در تضاد است. با این حال، تأکید و پافشاری مداوم بر ارزش‌های اسلامی که به خصوص در یک سال اخیر با وضع قوانین مختلف در مورد

زنان متأسفانه شدت گرفته است، خود نشانه ی دیگری از هدف قرار دادن موقعیت زن ایرانی است و نیز با هدف منزوی تر کردن جنبش‌های فمینیستی در ایران، به کار گرفته می‌شود.

۲ - اجرای قوانین تبعیض آمیز در حوزه‌های مدنی: یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر موقعیت زنان در جامعه ی امروز ایرانی، اجرای قوانین تبعیض آمیز در حوزه‌های اجتماعی و قانون گذاری‌هاست. با روی کار آمدن جریان‌های تندرو مذهبی و به خصوص در اختیارگرفتن کرسی‌های مجلس ایران که وظیفه ی قانون گذاری و تصویب قوانین مدنی را بر عهده دارد به نظر می‌رسد که نتیجتاً وضع قوانین نابرابر و همینطور تصویب قوانینی که مرتباً سعی در راندن زنان به حاشیه دارند قوت و شدت بی سابقه ای گرفته است.

شعار مبارزه با ارزش‌های غربی در طول سی و دو سال گذشته انقلاب اسلامی، موجب شده است که بخش زیادی از فعالیت‌های زنان برای احقاق حقوق شان عموماً از همین زاویه ی «غربی بودن» مورد حمله قرار بگیرد

ارائه ی لایحه ی حمایت از خانواده، همینطور تشدید قوانین تبعیض آمیز کار چون دورکاری و مقرراتی از این دست صرفاً برای محدود کردن زنان به امور خانه داری و نقش‌های سنتی نیز از دیگر عوامل تأثیرگذار بر وضعیت زنان در این یک سال اخیر بوده است. گرچه که تصویب قوانین نابرابر تنها محدود به یک دوره ی خاصی نیست اما در عین حال تصویب و مطرح کردن اکثر قوانین تبعیض آمیز که مهمترین آن‌ها لایحه ی حمایت از خانواده است از دیگر عوامل تشدیدکننده فرودستی زنان در طول یک سال گذشته بوده است. ولی این قوانین تنها محدود به قوانین مدنی در حوزه ی قانون گذاری نیستند بلکه قوانین دیگری همچون طرح‌های تفکیک جنسیتی و متناسب سازی آموزش کتاب‌ها بر اساس جنسیت، و محرم سازی مدارس نیز با تأکید بر تفاوت میان دو جنس مختلف در اجتماع، از دیگر عوامل مؤثر بر وضعیت زنان در ایران بوده است. می‌توان گفت که طرح و تصویب این قوانین در مجلس شورای اسلامی از یک سو و از سوی دیگر قدرت اجرایی حاکمیت و اراده آن در به حاشیه راندن زنان از طریق به اجراگذاشتن این قوانین تا حدود زیادی فعالیت‌های زنان در جامعه ی ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است چرا که آنها از یک سو باید با این قوانین به مبارزه برخیزند و از سوی دیگر تصویب و اجرای این قوانین شدت تبعیض جنسیتی و شکاف و نگاه نابرابر میان افراد جامعه را افزایش داده که در نتیجه به عنوان مانعی علیه حضور زنان عمل می‌کند.

با اینکه دولت آقای احمدی نژاد و مجلس شورای اسلامی مدام بر مسئله ی حمایت از زنان در قوانین تأکید دارند اما اکثر قوانینی که به نفع زنان باشد عموماً در حد طرح‌های بدون تصویب باقی می‌ماند و هیچ گونه پشتیبانی ای برای بهبود وضعیت زنان در چند سال اخیر نبوده‌اند.

۳ - عوامل خارجی و تأثیر بحران‌های اقتصادی؛ مشکلات ساختاری نظام اقتصادی ایران به همراه تحریم‌های بین المللی، تنگناهای بی

شمار معیشتی را برای مردم کشورمان بوجود آورده که کمتر خانواده ای در ایران را بی نصیب گذارده است. زنان نیز به عنوان یکی از اصلی ترین نیروهای اجتماعی کار در چرخه ی اقتصادی جامع امروز، سهم قابل ملاحظه ای از بحران اقتصادی و آسیب‌های معیشتی را به دوش می‌کشند. در ایران بسیاری از زنان سرپرست خانوار که تحت حمایت چندانی هم از سوی نهادهای دولتی نیستند به شدت زیر فشار خردکننده این مشکلات قرار گرفته‌اند. بیکاری ناشی از رکود اقتصادی و تحریم‌های کمرشکن خارجی نیز اولین قربانی خود را از میان زنان می‌گیرد و بسیاری از آنان را که سرپرست خانوار هستند با مشکلات معیشتی حاد و تأمین نیازهای فرزندانشان مواجه کرده است. از سوی دیگر فشار وارده بر بسیاری از خانواده‌های ایرانی در اثر مشکلات و تحریم‌های اقتصادی بنیان عاطفی بسیاری از خانواده‌های ایرانی را تحت تأثیر قرار داده است که آسیب پذیری زنان در این روندهای ویرانگر، جدی تر از دیگر اقشار اجتماع است. فضای آس و سرخوردگی حاکم بر اکثر خانواده‌های ایرانی در اثر بیکاری و بحران‌های اقتصادی موجب شده است که بسیاری از زنان به خصوص زنان سرپرست خانوار از توجه به اصلی ترین حقوق خود محروم بمانند و درگیر مشکلات معیشتی و تأمین آینده ی فرزندان خود شوند و در عین حال در فضای تبعیض آمیز جامعه با وجود مشکلات فراوان که عموماً از سوی وضع قوانین ناعادلانه و دست و پا گیر اعمال می‌شود با مشکلات زیادتری دست و پنجه نرم کنند.

یکی دیگر از موارد تأثیرگذار بر موقعیت زنان در ایران در طول چند دهه ی گذشته مشارکت سیاسی زنان در نظام سیاسی و اجتماعی ایران بوده است

از سوی دیگر مشکلات عمده ی اقتصادی در ایران، میزان اعمال خشونت در خانواده‌های ایرانی را افزایش داده است. با وجود همه این مشکلات معیشتی که اکثر زنان به دلیل وضعیت بیمار اقتصادی، بسیاری از قوانین تبعیض گستر کار و تأمین اجتماعی، همچنان در مورد زنان باقی مانده است و زندگی آنان را دستخوش تلاطم و نابسامانی کرده است.

قوانینی مثل دورکاری که عموماً سعی در خانه نشین کردن زنان دارد و در نتیجه بر وضعیت درآمدی آنان نیز تأثیر منفی می‌گذارد. در مجموع می‌توان گفت که در شرایط نابسامان اقتصادی و با حضور بسیاری از زنان در چرخه ی اقتصادی کشور، دولت متأسفانه به رغم شعارهایی که داده است اما هنوز نتوانسته قوانین حمایتی از زنان - به خصوص زنان سرپرست خانوار - را مصوب کرده و به مرحله ی اجرا گذارد.

۴ - چالش‌های سیاسی و محدودیت در مشارکت سیاسی زنان: یکی دیگر از موارد تأثیرگذار بر موقعیت زنان در ایران در طول چند دهه ی گذشته مشارکت سیاسی زنان در نظام سیاسی و اجتماعی ایران بوده است. ...

ادامه در صفحه ۱۳

نگاهی به موقعیت ...

ادامه از صفحه ۱۲

در منظومه سیاست پدرسالار ایران - مانند دیگر کشورهای اسلامی - به دلیل اعمال قوانین شریعت و سیاست مردسالار، عموماً زنان نقش حاشیه ای و بسیار کم رنگ در سیاست‌های اجرایی و قانونی دارند. با اینکه در قانون اساسی ایران، زنان سهم چندانی در اکثر مشارکت‌های سیاسی وابسته به قانون گذاری‌ها ندارند و عموماً این مردان هستند که سهم بسیار زیادی در اکثر ساختارهای حقوقی و سیاسی کشور را اشغال کرده‌اند اما میزان مشارکت سیاسی زنان در طول چند دهه ی گذشته معلول تغییر استراتژی حکومت و همینطور حاکم شدن گونه‌های مختلف و گاه متفاوت سیاسی (معتدل و اصلاح طلب، با اصول گرا و تندرو) بوده است. به این معنی که با روی کار آمدن یک یا چند طیف سیاسی، مشارکت سیاسی زنان نیز دستخوش تغییر گشته است.

شعار مبارزه با ارزش‌های غربی در طول سی و دو سال گذشته انقلاب اسلامی، موجب شده است که بخش زیادی از فعالیت‌های زنان برای احقاق حقوق شان عموماً از همین زاویه ی «غربی بودن» مورد حمله قرار بگیرد

در طول دو سال گذشته و به ویژه بعد از اعتراضات مردم و شکل گیری جنبش سبز، میزان مشارکت سیاسی زنان، هم از سوی حکومت و هم به دلیل شرایط بحران اقتصادی موجود، محدودتر از گذشته شده است چرا که گسترش مشارکت سیاسی زنان و همینطور تشکیل ائتلاف‌های مختلف سیاسی برای شرکت در انتخابات ۸۸ منجر به حضور گسترده ی زنان در انتخابات و همینطور حضور آنان در جنبش اعتراضی مردم شد؛ اما با حاکم شدن یک طیف خاص و محدود کردن اکثر احزاب و دسته‌های مختلف سیاسی، و بازداشت اکثر فعالان حقوق زنان به دلیل مشارکت گسترده ی آنها در جنبش اعتراضی مردم و نقش تأثیرگذار آنها در همراهی با این جنبش، موجب شده است تا بسیاری از فعالیت‌های کنشگران زن با محدودیت و دشواری جدی مواجه شود. دستگیری‌های گسترده به بهانه‌های واهی و تحت فشار قرار دادن کنشگران زن نتیجتاً موجب هجرت بسیاری از آنان و حذف فعالیت‌های گسترده ی آنها در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شده است. بسیاری از کنشگران زنان که متعلق به احزاب رقیب و مخالف حکومت بودند نیز نتیجتاً حذف شده، زندانی شده و یا تحت فشار از سوی حکومت قرار گرفتند. همین امر، یعنی حذف بسیاری از زنان متعلق به احزاب و دسته‌های جناح مخالف حاکمیت منجر به کاهش تعداد زنان اصلاح طلب در مجلس و افزایش اصول گرایان شده است. با اینکه زنان نماینده در دوره‌های گذشته مجلس هم نتوانسته‌اند آن چنان نقش پُر رنگی در پیش گیری از تصویب قوانین تبعیض آمیز ایفا کنند اما با این حال تصویب

بسیاری از قوانین تبعیض آمیز در مجلس هشتم نشان از عدم توانایی زنان در حمایت از حقوق زنان در بدنه ی جامعه ی ایرانی دارد. در انتخابات اخیر هم حضور زنان برای کاندیداتوری نمایندگی مجلس به نحو قابل ملاحظه ای کاهش یافته است. رد صلاحیت بسیاری از نمایندگان زن، حتا از طیف‌های محافظه کار حکومتی، برای دور اخیر مجلس نیز نشان از عزم حاکمیت برای حذف بیشتر مشارکت سیاسی زنان و به حاشیه راندن فعالیت‌های آنان در حوزه‌های حساس سیاسی و اجتماعی دارد. با اینکه مدام از سوی مقامات مجلس و دولت، شعار مشارکت زنان در باره افزایش تعداد زنان نماینده در مجلس، سر داده می‌شود اما رد صلاحیت آنان نشان از تلاش برای حذف سیستماتیک آنها از هر واحد سیاسی و نهادهای تأثیرگذار قانونی در اجتماع را دارد. همین امر، موجب شده است که مشارکت سیاسی زنان مدام به حاشیه رانده شود و نتیجتاً قانون گذاری در حوزه ی مدنی و فشار بر زنان از طریق اعمال قوانین تبعیض آمیز را راحت تر از گذشته کند. طرح‌هایی از قبیل طرح الزام دانشگاهها، مراکز و موسسات آموزش عالی به پذیرش دانشجویان دختر در محل سکونت آنها (بومی گزینی)، طرح برقراری عدالت آموزشی در پذیرش دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و تخصصی (سهمیه بندی جنسیتی)، طرح اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مصوب ۱۳۸۵، طرح ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، طرح اصلاح مواد (۱) و (۷) قانون نحوه اجرای قانون مربوط به خدمت نیمه‌وقت بانوان مصوب ۱۳۶۴، طرح امر به معروف و نهی از منکر و لایحه حمایت از خانواده، از جمله طرح‌هایی است که در مجلس هشتم مطرح شده‌اند. بعضی از این طرح‌ها یا رای نیاورد مانند اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی یا مانند لایحه حمایت از خانواده تنها بخش‌هایی از آن در مجلس هشتم مورد بررسی قرار گرفت.

دستگیری‌های گسترده به بهانه‌های واهی و تحت فشار قرار دادن کنشگران زن نتیجتاً موجب هجرت بسیاری از آنان و حذف فعالیت‌های گسترده ی آنها در حوزه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی شده است

می‌توان نتیجه گرفت که چالش‌های سیاسی در دوسال اخیر بعد از انتخابات ۸۸ و همینطور محدودیت فعالیت‌های حزبی و حضور زنان در احزاب مخالف به حذف بسیاری از فعالیت‌های زنان به صورت محرز در ساختارهای سیاسی در ایران دامن زده و نتیجتاً موقعیت زنان را با چالش

جدی در برابر تصویب روز افزون قوانین تبعیض آمیز قرار داده است. موقعیتی که برای بهبود وضعیت خود نیاز به باز شدن فضای سیاسی و خلق استراتژی‌های تازه و راهگشا توسط فعالان با تجربه ی جنبش زنان دارد.

۵ - ظهور «بهار عربی» و موقعیت نامشخص زنان در کشورهای خاورمیانه؛ وضعیت زنان در کشورهای خاورمیانه از حیث موقعیت اجتماعی و سیاسی، با وضعیت زنان در ایران مشابهت‌های انکارناپذیری دارد. گرچه میزان اعمال خشونت علیه زنان در این کشورها همچون ایران متفاوت است اما به دلیل قدرت و دخالت فراگیر نیروهای اسلام گرای افراطی و حاکمیت قوانین نابرابر، خشونت‌های اعمال شده علیه زنان وجهی قانونی می‌گیرد. از سوی دیگر چالش‌های سیاسی و خیزش مردم در کشورهای خاورمیانه نیز یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر موقعیت زنان در این مناطق است.

رد صلاحیت بسیاری از نمایندگان زن، حتا از طیف‌های محافظه کار حکومتی، برای دور اخیر مجلس نیز نشان از عزم حاکمیت برای حذف بیشتر مشارکت سیاسی زنان و به حاشیه راندن فعالیت‌های آنان در حوزه‌های حساس سیاسی و اجتماعی دارد

موقعیت زنان در کشورهای اسلامی نظیر مصر، تونس، عربستان، یمن و دیگر کشورها از این جهت حائز اهمیت است که می‌توانند ارتباطی با موقعیت زنان در ایران داشته باشند و استراتژی‌های بکار گرفته شده در پیشبرد جنبش زنان در این کشورها افزون بر مشابهت‌های معنادار، می‌تواند بر روند بهبود وضعیت زنان در همه این کشورها به طور زنجیروار تأثیر بگذارند. نگاهی به وضعیت زنان در این کشورها بعد از خیزش‌های مردمی نشان می‌دهد که از لحاظ وضع قوانین و همینطور روند بهبود کلی وضعیت، زنان همچنان با چالش‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. اخبار منتشره بعد از سقوط دیکتاتوری‌ها در لیبی، مصر و تونس نشان می‌دهد که وضعیت زنان در مقایسه با قبل از سقوط دیکتاتوری، بهبود چندانی پیدا نکرده است.

مهم ترین اتفاق بعد از روی کار آمدن دولت جدید در مصر مخالفت اخوان المسلمین با تشکیل مجدد شورای زنان در مصر بود، همینطور کاهش قابل توجه تعداد نمایندگان زن در مصر (۱۲ زن در برابر ۴۸۶ نماینده ی مرد) نشان دهنده راه درازی است که زنان مصری برای به دست آوردن حقوق شان باید طی کنند. به خصوص که کاهش تعداد نمایندگان زن در مصر همانند ایران در نتیجه ی تسلط گروه‌های اسلام گرای تند رو و افراطی است که شرایط مشابه ای را بعد از روی کار آمدن دولت جدید در ایران و در مصر به موقعیت زنان تحمیل کرده‌اند. با این حال کاهش تعداد نمایندگان زن در مصر زنگ خطری برای رشد و حضور سیاسی زنان در ساختارهای ...

ادامه در صفحه ۱۴

نگاهی به موقعیت ...

ادامه از صفحه ۱۲

نظام اجتماعی و سیاسی مصر است. در کشور لیبی نیز بعد از سقوط سرهنگ قزافی زنان تجربه ی مشابهی داشتند. بلافاصله دولت جدید بعد از روی کار آمدن اعلام کرد که قصد دارد چند همسری را آزاد کند، که خود به منزله تهدیدی برای موقعیت زنان در این کشور بعد از سقوط قزافی است. از سوی دیگر به دلیل دیکتاتوری ۴۰ ساله سرهنگ قزافی (و محدودیت‌های سیاسی حاکم بر این کشور) به نظر می‌رسد که احزاب زنان و کنشگران زن در این کشور نیز مانند دیگر کشورهای اسلامی به دلیل تسلط نیروهای تندرو مذهبی، آن چنان که باید قدرت لازم برای تغییر شرایط شان ندارند. به نظر می‌رسد که در لیبی هم اگر به مانند مصر نیروهای اسلام گرا قدرت را به دست بگیرند زنان برای به دست آوردن حقوق خود باید راه دراز و پرتنش را پیمایند.

اما در میان اخبار رسیده در مورد حقوق زنان در کشورهای اسلامی شاید بهترین خبر مربوط به اعطای حق رأی به زنان در عربستان سعودی است. ملک عبدالله پادشاه این کشور حق رأی به زنان را در سال ۲۰۱۵ نوید داده است با این حال این تنها موفقیت برای محدودیت‌های بی شمار زنان در عربستان است چرا که زنان این کشور تا پیش از این حتی از حق رأی هم محروم بوده‌اند و به قول سمر بدوی زنان عربستان در همه کارها به قیومیت مردان خانواده نیازمندند. گرچه این موقعیت فرودست به تدریج و توسط حرکت‌های دسته جمعی زنان آگاه این کشور همچون کمپین «قیم من بهتر از خود من می‌داند که چه چیزی برایم بهتر است» به سوی تغییر و بهبود گام نهاده است.

مقایسه ی اخبار کشورهای منطقه خاورمیانه به خصوص در حوزه زنان نشان می‌دهد که زنان این کشورها هنوز راه درازی برای برقراری عدالت و برابری جنسیتی و رسیدن به حقوق خود دارند. با اینکه بهار عربی قرار بود نویدبخش دموکراسی و آزادی خواهی و برابری در این کشورها باشد اما به

نظر می‌رسد که هنوز حقوق زنان در این کشورها در اولویت مبارزات دموکراسی خواهی قرار نگرفته است. هرچند که زنان در این کشورها (به خصوص مصر و تونس) نقش پر رنگی در جنبش دموکراسی خواهی مردم بر عهده داشتند اما آینده ی آنها بعد از روی کار آمدن دولت‌های جدید - با به حاشیه رفتن زنان از متن رویدادهای سیاسی - درهاله ای از ابهام و تیرگی فرو رفته است.

آنچه مسلم است شباهت میان ایران و این کشورها در نحوه ی به حاشیه رانده شدن زنان در جنبش‌های سیاسی - به وسیله حذف آنها از حضور در ساختارهای سیاسی و قانونی - است که نهایتاً منجر به تصویب قوانین تبعیض آمیز علیه آنان در جوامع مردسالار اسلامی می‌شود. عدم تأیید صلاحیت نمایندگان زن در مجلس ایران حتا از جناح اصول گرا و محافظه کار، و همینطور مقاومت احزاب اسلامی مصر و تونس در مشارکت ندادن زنان در پارلمان این کشورها شباهت تلاش‌ها و اهداف زنان در این کشورها را مشخص کرده و حاکی است که زنان در کشورهای عربی، بعد از پیدایش بهار عربی، باید بر خواست‌های خود مبنی بر تشکیل ائتلاف‌ها و احزاب مشخص و مشارکت فعال در گفتمان‌های سیاسی در بافت مردسالار و سنتی این کشورها اهتمام ورزند، چرا که حضور زنان در این بافتار بغرنج، ارتباط مستقیمی با به دست آوردن حقوق برابر آنها دارد. کاری که در ایران به دلیل حاکمیت دولت جدید و محدود کردن بخش وسیعی از فعالان زنان با محدودیت‌های گسترده روبه رو شده است.

پایان سخن

با مروری بر اخبار و رویدادهای یک سال اخیر ایران و کشورهای منطقه می‌توان دریافت که یکی از اصلی ترین و جدی ترین چالش‌های زنان در این کشورها ایستادگی در برابر وضع قوانین نابرابر و مقاومت در به حاشیه رانده شدن از گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی غالب است. زمانی که فعالان زن با مشکلات جدی از سوی

حکومت به منظور مبارزه برای کسب حقوق خود مواجه‌اند و از سوی دیگر قدرت لازم در ساختارهای قانونی و سیاسی را از دست می‌دهند طبیعی است که وضع قوانین نابرابر و تلاش برای بازگرداندن زنان به نقش‌های سنتی، با شدت بیشتری نسبت به گذشته دنبال می‌شود. مشاهده ی وضعیت زنان در ایران در طول یک سال گذشته (از ۸ مارس ۱۳۸۹ تا ۸ مارس ۱۳۹۰) نشان می‌دهد که فعالیت اکثر کنشگران زن نسبت به گذشته علاوه بر چالش‌های پیشین اکنون نیز تحت تأثیر مشکلات کهنه و ساختاری اقتصاد کشور و نیز به زیر سایه ی تحریم‌های خردکننده ی بین المللی قرار گرفته است. در جامعه ای که بافت مذهبی و سیستم سنتی، چالش‌ها و محدودیت‌های سیاسی اعمال شده از سوی حکومت را بر فعالیت‌های مدنی زنان مشروع جلوه می‌دهد و از سوی دیگر تلاش حکومت برای حذف زنان از ساختارهای اجتماعی و سیاسی (با وضع قوانین پوششی و دیگر قوانین تبعیض آمیز) صدچندان شده است طبعاً فعالیت مسالمت آمیز کنشگران حقوق زنان بیشتر از گذشته محدود و با دشواری روبرو گشته است. با مشاهده ی اتفاقات حاصل شده در کشورهای خاورمیانه که بافت به نسبت مشابهی با ایران دارند می‌توان نتیجه گرفت که اصلی ترین چالش برای پیشرفت زنان، حضور پر قدرت بنیادگرایان اسلامی است که در نتیجه، مدام زنان را از متن مبارزات سیاسی و ساختارهای اجتماعی پس می‌زند. حتا در کشورهایی که تلاش جاناته ی میلیونها شهروند برای پیش برد روند دموکراسی نیز آغاز گشته باز هم نمی‌توان به پیشرفت در احقاق حقوق زنان خیلی امیدوار بود تا زمانی که قدرت نیروهای بنیادگرای اسلامی بر دیگر نیروها و احزاب جامعه پیشی گرفته باشد، چرا حقوق زنان در ایران و سایر کشورها به منزله ی تهدیدی برای بنیادگرایان به حساب می‌آید.

منبع: **مدرسه فمینیستی**

مذاکرات هسته ای ...

ادامه از صفحه ۷

ترسیم شود که تفاهم هسته پی با حفظ منافع ملی اصلی ترین قطعه این پازل سیاسی - اقتصادی خواهد بود. استقبال از یک تفاهم جامع هسته پی هرگز نافی ادامه مبارزه برای حقوق و مطالبات طبقات زیرین اجتماعی و به خصوص طبقه کارگر به شدت لاغر شده کنونی ایران نخواهد بود.

هرگونه امیدی به موقعیت بسته کنونی برای تداوم مخاصمه هسته پی و احتمال اینکه با ادامه وضعیت فعلی شاید در آینده نیروهای مترقی و چپ امکان تأثیرگذاری اساسی بر فضای سیاسی - اقتصادی ایران را داشته باشند به صورت اساسی یک "آرمانگرایی فضایی" است که ...جایی در "زمین سیاست" کشور ندارد. در شرایطی که منافع جناح های تندرو و افراطی در ایران و آمریکا همسو با منافع دولت راستگرای "بنیامین نتانیاهو" نخست وزیر اسرائیل و محور محافظه کار عربی - ترکی در منطقه به شدت برای به شکست کشاندن مذاکرات هسته پی بین تهران و گروه ۱+۵ به تکاپو افتاده است، چپگرایان پراگماتیست بیش از هر زمان دیگری می بایست جبهه مبارزه خود را از میادین جنگ دشمنان تاریخی، طبقاتی و ژئوپلیتیک خود جدا کنند. استقبال از سیاست تنش زدایی و ... توافق احتمالی حول پرونده هسته پی کشور نه تنها هیچ منافاتی با مبارزه در چارچوب منافع طبقاتی کارگران و اقشار متوسط جامعه ندارد که حتی می تواند موجب بسترسازی بهتر جهت تعمیق و تشدید این مبارزه در یک فضای نرمال سیاسی - اجتماعی شود.

* منبع: **اخبار روز**

مسئله فقط یونان نیست

سهراب مبشری

گوششان به حرف افراطی ترین سیاستمداران دست راستی این کشور است، ادعای کم خطر بودن خروج یونان از حوزه یورو برای اقتصاد آلمان، تنها یک بلوف است. هدف از این گونه سخنان تنها ایجاد بحران سیاسی و اقتصادی در داخل یونان است. هدف این است که صاحبان سپرده ها در بانکهای یونان بر دولت این کشور بشورند، تا تسپیراس و کابینه اش در برابر برلین و بروکسل به زانو افتند.

سیستم سرمایه داری چندبار، معمولاً پس از جنگهای بزرگ، با لغو بدهی ها و ترکیدن حساب ارزش های موهوم، انباشت ارزش اضافی را از سر گرفته است. در مقیاس کوچکتر، چنین آغاز دوباره ای در سالهای اخیر بارها روی داده است

ممکن است چنین شود. ممکن است دولت کنونی یونان نیز میان «پایان وحشتناک» و «وحشت بی پایان» مانند دولتهای پیشین این کشور دومی را برگزیند. باید در نظر گرفت حزب سیریزا زمانی توانست اکثریت آرا را به دست آورد که نه تنها در میان بی چیزان و فقیرترین اقشار، بلکه در اقشار میانی نیز از بیشترین پشتیبانی برخوردار شد. بر خلاف آنها که در بحران سالهای اخیر همه چیز را از دست داده اند و امروز باید خوراک روزمره خود را نیز از نهادهای خیریه بگیرند، بسیاری از مردم یونان هنوز اندک اندوخته ای دارند که نمی خواهند از دست بدهند. بسیاری از آنها به سیریزا رای داده اند به این امید که این حزب بتواند شرایط مساعدتری را برای یونان در داخل حوزه یورو فراهم کند. با در نظر داشتن تمایلات این اقشار است که ممکن است دولت یونان تسلیم سیاستهای شود که قدرتمندان اروپا دیکته می کنند.

صرف نظر از این که دولت یونان عاقبت چه تصمیمی بگیرد، بحران بدهی های دولتها باقی خواهد ماند. قلب سرمایه داری جهانی دیگر در اروپا نمی تپد. کل اقتصاد این قاره به چنان رشدی دست نخواهد یافت که تسویه بدهی های دولتهای اروپایی را ممکن کند. غیرممکن است طلبکاران دولتهای اروپایی در سیستم مالی جهانی از این شرایط اطلاع دقیق نداشته باشند. غیرقابل تسویه بودن این بدهی ها، حکم واقعیتی را دارد که همه می دانند اما توافقی عمومی برای به زبان نیاروندن آن وجود دارد. هر کس که این توافق را نقض کند، متهم به زدن تلنگری خواهد شد که یک بنای پوسیده را به خطر خواهد افکند. پس همه وانمود می کنند که طلبهایشان از دولتهای عملا ورشکسته، طلبهای قابل وصول ... ادامه در صفحه ۵

دولتی و بدهی کشورهایمانند اسپانیا، پرتغال، ایتالیا و حتی فرانسه کافی است تا دریابیم در مورد این کشورها نیز چشم انداز واقعی برای تسویه بدهی آنها وجود ندارد. تبلیغاتی که قدرتمندان اروپا علیه یونان به راه انداخته اند از یک سو با هدف انحراف افکار عمومی از واقعیتی طرح می شوند که در بالا آمد. از سوی دیگر، این سیاستمداران وظیفه خود می دانند که از حاکمیت سرمایه علیه کسانی که ممکن است این حاکمیت را زیر سؤال برند محافظت کنند. از این رو است که باید دولت یونان شکست بخورد تا مرکل و امثال او سر آسوده به بالین بگذارند. از نظر آنها هر کس که جرأت چالش با سیستم حاکم را به خود بدهد باید به خاک سیاه نشانده شود. سیاستمداران دست راستی آلمانی هر از چندی می گویند خروج یونان از اتحاد مالی اروپا چندان هم بد نیست. آثار چنین اظهاراتی در یونان کاملاً روشن است. هر کس که سپرده ای در بانکهای یونان دارد با شنیدن چنین سخنانی به فکر برداشت سپرده خود می افتد. آنهایی که بر مسند قدرت در اتحادیه اروپا نشسته اند دست به قمار بزرگی زده اند که نتیجه آن ممکن است ورشکستگی سیستم بانکی یونان و به دنبال آن، ورشکستگی دولت یونان باشد.

با این حال همه می دانند خروج یونان از حوزه یورو یعنی اعلام قطعی غیرقابل پرداخت بودن بدهی یونان. این رویداد ممکن است به زنجیره ای از رویدادهای مشابه در سایر کشورهای جنوب اروپا بیانجامد. ممکن است یونان تنها آغاز فروپاشی واحد پول مشترک اروپا باشد. اگر چنین شود، اگر کشورهای جنوب به واحدهای پول ملی خود بازگردند، کل بازار جنوب اروپا برای صنایع بخش شمالی این قاره از دست خواهد رفت. کالاهای آلمانی مانند ماشین آلات و اتومبیل تنها زمانی در جنوب اروپا قدرت رقابت دارند که کاهش نرخ برابری واحدهای پول اروپایی در مقابل واحد پول آلمان، مانع صادرات آلمان نشود. آلمان از این رو در دهه نود قرن بیستم، بیشترین اصرار را بر حرکت به سمت واحد پول مشترک در اتحادیه اروپا داشت که بتواند بازار صادرات خود را در اروپا حفظ کند.

سیاستمداران دست راستی آلمانی هر از چندی می گویند خروج یونان از اتحاد مالی اروپا چندان هم بد نیست. آثار چنین اظهاراتی در یونان کاملاً روشن است. هر کس که سپرده ای در بانکهای یونان دارد با شنیدن چنین سخنانی به فکر برداشت سپرده خود می افتد

به عنوان نمونه امروز صنایع اتومبیل سازی در هر کشوری از اروپا که باقی مانده است، دچار بحران است، به غیر از آلمان. دو سوم صادرات آلمان به سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپاست. از این رو، بر خلاف تصور آلمانی هایی که

چند هفته بیشتر از روی کار آمدن دولت جدید یونان نمی گذرد. با این حال مدافعان ادامه سیاست ریاضتی در اروپا به گونه ای درباره زمامداران جدید یونان سخن می گویند که گویا مقصر اصلی بحران مالی اروپا را پیدا کرده اند. رفتار قدرتمندان اروپا در قبال تسپیراس نخست وزیر یونان و کابینه او یادآور پادشاهانی است که حاملان اخبار بد را گردن می زدند.

خبر بد این است که یونان هرگز قادر به پرداخت بدهی های خود نخواهد بود. چگونه می توان تصور کرد دولت کشوری که تولید ناخالص داخلی آن طبق آمار سازمان ملل کمتر از دوپست و پنجاه میلیارد دلار است، کشوری که بودجه دولتش صد و سی میلیارد دلار است، زمانی بتواند بیش از سیصد میلیارد دلار بدهی بخش عمومی را تسویه کند؟ کدام چشم انداز برای افزایش ناگهانی درآمد دولت یونان وجود دارد که بر مبنای آن بتوان تصور کرد دولت این کشور بتواند بخش بزرگی از درآمد خود را صرف تسویه بدهی ها کند؟ اقتصاد یونان چگونه باید بدان حد از رشد برسد که افزایش جهش وار در آمد مالیاتی دولت این کشور را ممکن کند؟

بسیاری از آنها به سیریزا رای داده اند به این امید که این حزب بتواند شرایط مساعدتری را برای یونان در داخل حوزه یورو فراهم کند. با در نظر داشتن تمایلات این اقشار است که ممکن است دولت یونان تسلیم سیاستهای شود که قدرتمندان اروپا دیکته می کنند

«گناه» دولت فعلی یونان این است که خبر بد را به مردم اروپا داده است. اما این خبر تنها به یونان محدود نیست. بدهی بخش دولتی در آلمان بالغ بر دو هزار و ششصد میلیارد دلار است. در سال جاری هر چند دولت فدرال آلمان کسری بودجه ندارد اما بر بدهی دولتهای ایالتی و شهرداری ها بیست میلیارد دلار افزوده شده است. تولید ناخالص داخلی آلمان پانزده برابر یونان و بدهی بخش دولتی آن حدود ۹ برابر یونان است. اندکی تلاطم در بازار جهانی، ممکن است اقتصاد آلمان را به وضعیتی بکشاند که بدهی بخش دولتی این کشور نیز دوباره با شتابی بیشتر رو به افزایش بگذارد. مثال آلمان را بدین منظور آوردم که روشن شود همه کشورهای اروپا، حتی آلمان که زمامدارانش بابت بودجه متعادل فدرال خود به بقیه فخر می فروشند، گرفتار بحران بدهی اند. این بحران فعلاً در یونان به حادترین وضعیت رسیده است اما بقیه کشورهای اروپایی هم در صف اند. کمی دقت در آمار مربوط به اقتصاد، بودجه

«جهانی دیگر، جهانی بهتر» ممکن است، اگر متحداً تلاش کنیم

پیام نسرين ستوده به تلاشگران برای حق کار دگراندیشان



و پرتنش را تجربه کرده است، اما مطالبه‌ی اصلی آن اعتراض به حکم محرومیت از حرفه‌ی وکالت یک وکیل بوده است.

بی‌شک موضوع این اعتراض، فردی و شخصی تلقی نمی‌شود، بلکه چه بسا اقدامی در جهت حفاظت از حق دفاع متهمان و مصونیت شغلی وکلا باشد و یا حتی اعتراض به مجازات‌های مضاعف به جرم ناکرده‌ی افراد باشد. مجازات‌هایی که علاوه بر تحمل حبس‌های طویل‌مدت و نا عادلانه، افراد را از حق کار، حق تحصیل و دیگر حقوق شهروندی محروم می‌کند. بار دیگر مراتب سپاس و قدردانی خود را از تلاش‌های تک‌تک شما عزیزان اعلام می‌دارم و آرزو می‌کنم کلیه‌ی این تلاش‌ها به استقرار دموکراسی و حقوق مدنی و شهروندی کمک نماید.

به امید تحقق حقوق شهروندی برای ایرانیان
نسرين ستوده

تهران، ۲۴ اسفند ۱۳۹۳

منبع: عصر نو

۲- بسیاری از شما نیز طی سالیان گذشته و در سال‌هایی که در وطن خود زندگی می‌کردید، طعم تلخ چنین محرومیت‌هایی را چشیده‌اید.

بسیاری از همراهان تحسن و یا رهگذرانی که دقایقی تحسن را همراهی کرده‌اند، اذعان می‌دارند که شعار تحسن، شعار آن‌هاست.

۴- در کنار همه‌ی تضییقات و فشارها به وکلا، تلاش‌هایی نیز برای گذراندن قانون جدید در جریان است که در صورت تصویب نهایی، استقلال قانون وکلا به کلی از بین می‌رود و نهاد وکالت به نهادی کاملاً دولتی تبدیل می‌شود. در این خصوص توجه عمومی را به خطراتی که می‌تواند در صورت تصویب چنین قانونی بروز نماید، جلب می‌کنم. احتمال تصویب چنین قانونی نگرانی‌های زیادی را به وجود آورده است.

۵- نتیجه‌ی این تحسن هرچه باشد، دست کم تلاشی هرچند اندک برای یافتن راهی مدنی جهت اعلام اعتراضات جمعی یا فردی است که اکنون پنج ماه را پشت سر نهاده است.

۵ ماهی که روزهای متوالی به طرح مطالبات متعددی پرداخته است و گاه روزهایی سخت

دوستان، هموطنان و همراهان

تحسن «حق کار، حق دگراندیشان»
درودهای بی‌پایان مرا از ایران پذیرا باشید. مطلع شدم تعدادی از هموطنانم در سراسر دنیا کارزاری را در حمایت از تحسن «حق کار، حق دگراندیشان» ترتیب داده‌اند. لازم می‌دانم ضمن سپاس از تک‌تک افرادی که برای این کارزار تلاش می‌کنند، مراتب زیر را به اطلاع برسانم:

۱- تحسن «حق کار، حق دگراندیشان» در پاسخ به محرومیت منتقدان از حق کار می‌باشد.

۲- از آنجا که وکلا باید بتوانند بدون ترس و تهدید به انجام وظایف حرفه‌ای شان بپردازند و اقداماتی از قبیل بازداشت یا تعلیق پروانه مانع از انجام وظایف حرفه‌ای شان می‌شود، بنا براین، در اعتراض به مداخله‌ی مکرر و مستمر نهادهای امنیتی در انجام وظایف وکالتی ام و همچنین انجام وظایف قانون وکلا و دادگستری که باید نهادی مستقل باشد، دست به تحسن در مقابل قانون وکلا زده‌ام.



بهاران بر تلاشگران برای حقوق دگراندیشان خجسته باد!

Association des Iraniens Républicains à Paris - AIRP Comité Indépendant Contre la Répression des Citoyens Iraniens CICRCI

آدرس پستی:

L.G.e.v
Postfach 260268
50515 Köln
Germany

شماره حساب بانکی:

L.G.e.v دارنده حساب بانکی:

شماره حساب: ۲۲۴۴۲۰۲۲

کد بانک: ۲۷۰۵۰۱۹۸

نام بانک:

Stadtsparkasse Köln-Bonn
IBAN: DE33 37050198 0022 442032
SWIFT-BIC: COLSDE33

آدرس تماس با پست الکترونیک: karrooznamehi@gmail.com